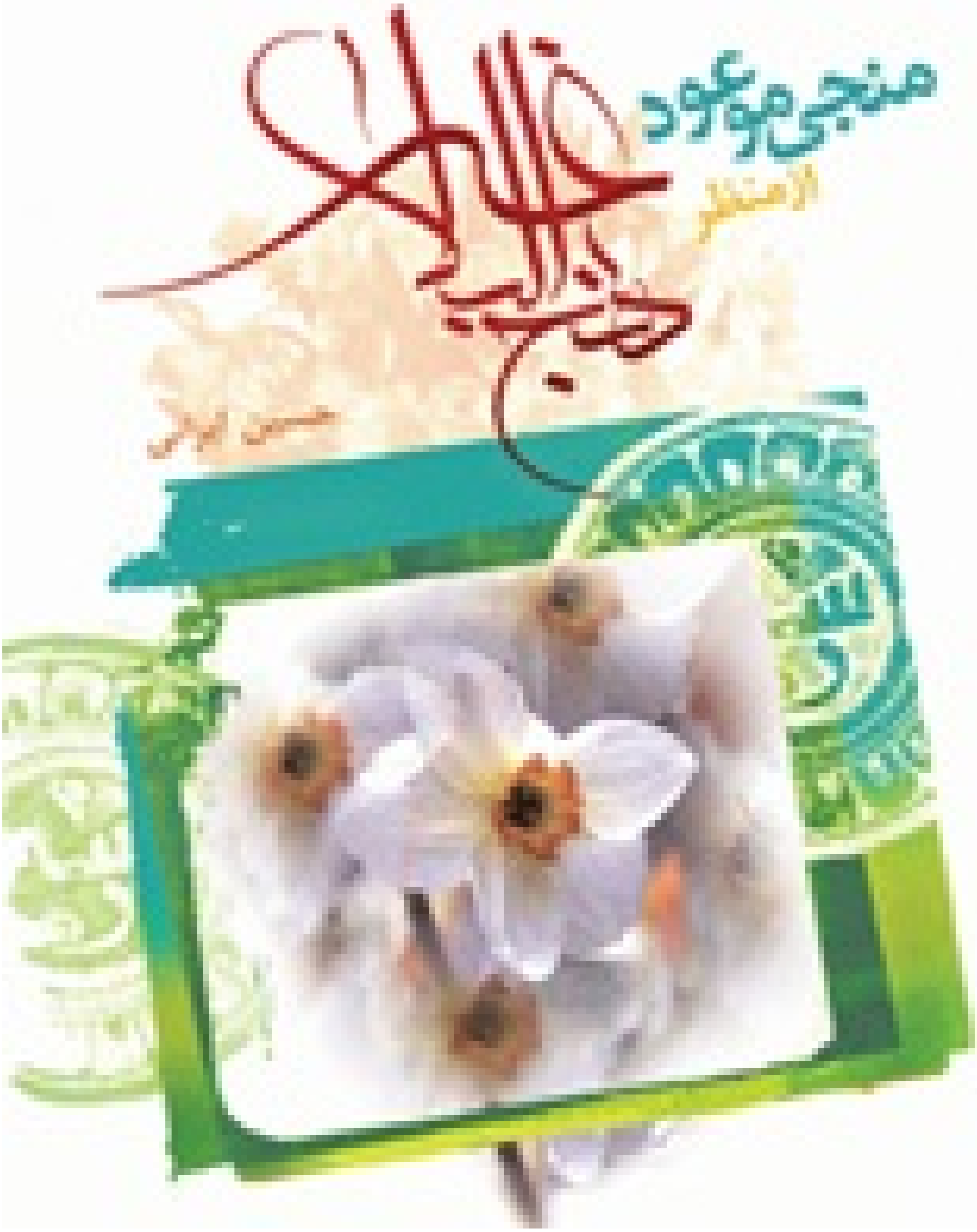

منجی موعود
از منظر
نهج البلاغه

بسم الله الرحمن الرحیم

منجی موعود از منظر نهج البلاغه

نویسنده:

حسین ایرانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

منجی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف از منظر نهج البلاغه

مشخصات کتاب

سرشناسه : ایرانی حسین ۱۳۲۵ - ۱۳۸۷.

عنوان و نام پدیدآور : منجی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف از منظر نهج البلاغه/ تالیف حسین ایرانی .

مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس جمکران ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : [۱۰۱] ص.

شابک : ۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۴۸۴-۶۱-۹

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه ص [۱۰۰] - ۱۰۱؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- نظریه درباره محمدبن حسن (عج)

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I -- Views on Muhannad ibn Hasan

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث

موضوع : Muhammad ibn Hasan, Imam, ۸۷۰ -

موضوع : علی بن ابی طالب، (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق . نهج البلاغه -- محمد بن حسن (عج)

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Muhammad ibn Hasan

موضوع : مهدویت-- انتظار-- احادیث

موضوع : Mahdism -- Waiting* -- Hadiths

شناسه افزوده : مسجد جمکران رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۹/م۳الف۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۴۶۲۲۴

ص:۱

اشاره

دعای هنگام مطالعه

بسم اللَّه الرحمن الرحيم

اللّهمّ أخرجنی من ظلمات الوهم وأكرمنی بنور الفهم

اللّهمّ افتح علينا أبواب رحمتک وانشر علينا خزائن علومک

برحمتک يا أرحم الراحمين

مفاتيح الجنان

خدايا! مرا از تاريکی های وهم و خيال به در آر و به روشنی فهم گرامی دار.

خدايا! درب های رحمتت را برمابگشا و گنجينه های دانش هايت را برما بازفرما.

به رحمت خودت، ای مهربان ترين مهربانان!

ص:۴

تقدیم به

وارث رسولان و صالحان تاریخ

خورشید شام تار عالم و ماه تمام تابان

زداینده ظلم ها وظلمت ها

زیباترین پگاه پیروز و امید هستی

رافع همه اندوه ها و بلاها

بهار پاینده مردمان و شادی بخش روزگاران

پرشکوه ترین شکوفه ناشکفته حضرت زهرا و علی علیهما السلام

و به پدر و مادر مرحومم که با عشق و مهر او پرورشم دادند.

ص:۵

مقدمه

چه زیباست شخصیت خاتم الاوصیاء را در آینه بیان سیّد الاوصیاء مشاهده نمودن!

چه گویا و پُر پیام است، روش و منش منجی بشریت را در نهج البلاغه(۱) مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدن!

چه دلنشین است قصه های یوسف زهرا را از زبان پدر مظلومش علی علیه السلام شنیدن!

چه سبز و بهاری است داستان سرو بوستان بشریت را در ترنّم و زمزمه های باغبان امیدها، جست و جو کردن!

چه عرفانی و جان آفرین است از کلام امام العارفین، به سیره و سیمای فروزنده فرزندش حضرت مهدی - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - راه یافتن.

چه پسندیده و پربهاست شیوه حکومت بزرگ حاکم آینده گیتی را از حکمت های برترین حاکمان تاریخ آموختن و زمامداری حق و عدل مهدوی را از کتاب تبلور ادب و عدل علوی به نظاره نشستن.

و چه مبارک و مقدّس می نماید راه یابی نور از نور که مطمئن ترین طریق معرفت امامان نور می باشد: «وإنّ الآیات یُفسّر بعضها بعضاً». و نوشتار حاضر عهده دار این راه و رسالت است و به مهدی پژوهی از مسیر نهج البلاغه می پردازد. ان شاء اللّٰه مقبول حق و مفید حق طلبان قرار گیرد. حسین ایرانی

۱- ۱. شماره خطبه ها، نامه ها و حکمت ها در کتاب بر اساس نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام می باشد.

در نهـج البلاغه از امام علی علیه السـلام بیانات و خطبه های متعـدّدی پیرامون حوادث و فتنه های آینده نقل شده است که این پیشگویی ها، گاه(۱) نسـبت به شـهر و مکان خاص بوده، (مانند جنگ ها وحوادث سختی که در شام، کوفه «خطبه ۴۷»، بصره «خطبه ۱۳» و عراق رخ خواهد داد) گاه مربوط به فتنه فرقه ها و احزاب و افراد مشخصـی می باشد (مانند فتنه خوارج «خطبه ۵» و بنی امیّه و ...) و گاه به صورت کلّی و مطلق از تحولات سیاسـی اسـلام و حوادث جامعه جهانی و آزمون های امّت در آینده های دور و نزدیک خبر داده است؛ مثل خطبه های ۱۵۱ و ۱۰۷ و ۱۰۱ و ... .

این پیشـگویی هـا به خـاطر عـدم تصـریح و منحصـر نبودن به زمـان و مکـان یـا فرد خـاص، قابـل انطبـاق و تسـرّی بر مصـادیق گوناگون می باشد، از فتنه معاویه و بنی امیه و بنی عباس گرفته تا حکّام ستمگر و توطئه های رژیم صهیونیستی

---

۱ - ۲. خبر دادن از آینـده و پیشـگویی هـای آن حضـرت نه تنها بیانگر علوم فراوان و دانش فراگیر امام علیه السـلام می باشـد، بلکه گواه مهر و رحمت حضـرتش به امّت بوده تـا در گرداب بلاهـا گرفتار نگردنـد و از طرفی اتمام حجت بر دنیاگرایان فتنه گر است. به علاوه عامـل تلاش برای ره یـابی به آینـده و تشویق به آموختن علم آن است. مضافـاً این معنـا را اشـاره دارد که پیشوای راستین و امـام به حق بایـد قـدرت تحلیل تاریـخ و توان علمی از فرداها را داشـته باشـد، افزون بر آنچه گـذشت از این رهگذر مؤمنان واقعی ومطیع امام علیه السلام از مدعیان ضعیف الایمان شناخته خواهند شد.

و استکبار جهانی آمریکا و دجّال و سفیانی و آشوب های عظیم آخرالزمان در هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی موعودعلیه السلام که در این مختصر به برخی از آن ها اشاره خواهیم داشت.

قابل توجّه این که اگرچه سیّد شریف رضی رحمه الله گردآورنده نهج البلاغه، تمام پیشگویی های امام علی علیه السلام را ثبت و نقل نکرده، لیکن ابن ابی الحدید تعداد بیشتری از آن ها را که تحقیق کرده و از صحّتش اطمینان یافته، آورده است.

سؤال و پاسخ

اگر علم غیب منحصر به خدا می باشد پس این همه خبر دادن از آینده و پیشگویی های امیرالمؤمنین علی و امامان علیهم السلام چیست؟

جواب: در این که علم غیب در حقیقت و بالذات نزد خداوند می باشد، شکی نیست، لیکن خدای متعال آن را به پیامبرصلی الله علیه وآله و برخی عطا فرموده که در اینجا به بعضی از دلایل آن اشاره می کنیم:

۱) «عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلَی غَیْبِهِ أَحَداً * إِلّا مَنِ ارْتَضَی مِنْ رَسُولٍ...»(۱) خداوند دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند مگر آن که مورد رضای او باشد (هرکه را او پسندد) از رسول و فرستاده برگزیده خود.

۲) «وَما کانَ اللَّهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ وَلکِنَّ اللَّهَ یَجْتَبِی مِنْ رُسُلِهِ مَنْ یَشآءُ...»(۲) و خداوند برآن نیست تا شما را از غیب آگاه سازد ولی خدا ازمیان رسولانش هرکه را بخواهد برمی گزیند (و از

۱- ۳. سوره جن / آیات ۲۶ و ۲۷.

۲- ۴. سوره آل عمران / آیه ۱۷۹.

اسرار نهان به میزانی که نیاز نبوت و رهبری اوست در اختیارش قرار می دهد).

در تفسیر این آیه، امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«فرسول اللّه عند اللّه مرتضـی ونحن ورثه ذلک الرسول الّذی أطلعه اللّه علی ما یشآء من غیبه فعلّمنا(۱)؛ رسول خدا نزد خداوند برگزیده شده و ما وارثان اوییم که خدا پیامبر را برآنچه از غیبش می خواهد آگاه نموده و پیامبر هم به ما آنچه بود و تا قیامت رخ خواهد داد را آموخته است.»

بنابراین مقصود از اختصاص علم غیب به خدا، علم ذاتی و استقلالی است و هیچ فردی مستقلاً آگاهی از غیب ندارد و آنچه دارد از او و جنبه تبعی دارد.

۳) امام علی علیه السلام بعد از جنگ جمل (سال ۳۶ هجری در شهر بصره) وقتی از برخی حوادث آینده (حمله مغول به کشورهای اسلامی) خبر می داد، یکی از اصحاب که از طایفه بنی کلب بود، با تعجب گفت: ای امیرمؤمنان! آیا به شما علم غیب داده شده؟ حضرت در حالی که تبسّم می کرد، فرمود:

«یا أخاکلب! لیس هو بعلم غیب، وإنّما هو تعلّم من ذی علم...(۲)؛ ای برادر کلبی! این (اخباری که اطلاع می دهم) علم غیب نیست، بلکه دانشی است که از صاحب علم (پیامبرصلی الله علیه وآله) آموخته ام. همانا علم غیب، علم قیامت و آنچه خدا در این

۱- ۵. تفسیر المیزان: ج ۲۰ ص ۱۳۴؛ کنز الدقایق: ج ۱۳ ص ۴۹۲؛ نور الثقلین: ج ۵ ص ۴۴۴.
۲- ۶. نهج البلاغه: خطبه ۱۲۸.

آیه (آیه ۳۴ سوره لقمان) برشمرده می باشد... غیراز این ها، علمی است که خداوند به پیامبرش تعلیم داده (علم غیب اکتسابی است) و او به من آموخته است، پیامبرصلی الله علیه وآله برای من دعا کرد تا خدا این علوم و اخبار را در سینه ام جای دهد و استخوان های پهلویم (خاطرم) آن را در برگیرد و نگه دارد.»

۴) در روایتی آن حضرت می فرماید:

«واللَّه! لو شئتُ أن أخبر کلّ رجل منکم...(۱)؛ به خدا سوگند! اگر بخواهم امور هریک از شما را خبر دهم می توانم... و به خدایی که پیامبرصلی الله علیه وآله را به حق برگزیده، جز سخن راست نگویم، تمامی این علوم را او به من سپرده است، جایگاه و فرجام هر هلاک شونده یا نجات یابنده، خلافت و آنچه بر سرم بگذرد، همه را در گوشم نهاد و به من آموخت.»

۵) صاحب کتاب عظیم الغدیر، جمله:

«سلونی! واللَّه لاتسألونی عن شی ء یکون إلی یوم القیامه إلّا أخبرتُکم(۲)؛ از من بپرسید که به خدا سوگند از هیچ حادثه ای تا قیامت نمی پرسید مگر آن که به شما خبر خواهم داد.»

را از منابع و مدارک متعدّد علمای اهل تسنّن نقل کرده است. به علاوه در اصول کافی و بحار الانوار روایات متواتر نسبت به علم ائمّه معصومین علیهم السلام

۱- ۷. ینابیع الموده: ص ۶۶؛ نهج البلاغه: خطبه ۱۷۴ {فیض الاسلام}.

۲- ۸. الغدیر: ج ۶ ص ۱۹۳.

و در کتـاب فضائـل الخمسه روایات فراوانی از کتب اهل سـنّت در علم فوق العاده امیرالمؤمنین حضـرت علی علیه السـلام نقل شده است.(۱)

البته آموختن پیامبرصـلی الله علیه وآله به اجمال بوده که حضـرت علی علیه السـلام را از اسـرار جهان آگاه ساخته، همان گونه که حضرت می فرماید: در ساعات پایانی عمر پیامبرصلی الله علیه وآله بود که مرا طلبید:

«علّمنی ألف بـابٍ ینفتـح لی من کلّ بابٍ ألف بابٍ(۲)؛ هزار بـاب از علم و اسـرار الهی را به من آموخت که از هر یـک، هزار باب دیگر به رویم می گشاید.»

بر این اسـاس آگـاهی امامـان معصوم علیهم السـلام از احکـام دینی، احوال افراد، جوامع، آینـده و غیب عالم به طور مسـتقل و ذاتی نبوده بلکه خدای خالق از اقیانوس نامتناهی علوم خود (به خاطر پاکی باطن و عبودیت و قرب ائمّه علیهم السـلام به او) به آنان عطا فرموده است.

ص:۱۶

۱- ۹. فضائل الخمسه: ج ۲ ص ۲۳۱.

۲- ۱۰. بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۴۷۰.

گفتار اول:جامعه جهانی قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

«یَعْطِفُ الْهَوی عَلَی الْهُدی إِذا عَطَفُوا الْهُدی عَلَی الْهَوی وَیَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْیِ»(۱)

ترجمه: «(وقتی مصلح موعود قیام کند) خواسته ها و هواهای نفسانی را به هدایت برمی گرداند (تابع وحی می کند) آن گاه که مردمان، هدایت را تابع هواهای خویشتن قرار دهند، و نظریه ها و افکار مختلف را تابع قرآن می سازد هنگامی که تفسیر به رأی کنند و نظریه های خود را (برتری دهند و) بر قرآن تحمیل نمایند.»

واژه ها: عطف: میل، مهربانی، بازگرداندن.

توضیح و تفسیر:

مفسرین نهج البلاغه این خطبه را یکی از پیشگویی های امام علی علیه السلام نسبت به حوادث عظیم آینده و قیام حضرت مهدی علیه السلام می دانند.(۲)

به طور کلی می توان این فراز از خطبه را به دو بخش تقسیم کرد:

ص:۱۷

۱- ۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲- ۱۲. منهاج البراعه: ج ۸ ص ۳۴۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۹ ص ۴۰.

الف) شرایط و وضعیت جامعه جهانی قبل از ظهور آن رهبر الهی که همان منزوی گشتن حقایق قرآنی و فراگیر شدن فساد و فتنه ها (در همه زمینه های زندگی فردی،اجتماعی، فرهنگی،سیاسی و اقتصادی) و بدعت هاو تحریف ها در اندیشه و عمل و ادیان می باشد.

البته همان گونه که علی علیه السلام می فرماید، تمام مفاسد (از اولین جنایتی که توسط قابیل رخ داد تا انواع ظلم ها و بی بند و باری ها و بزرگ ترین جنگ های جاهلانه بشری) ریشه در پیروی از کشش های حیوانی و ترک تبعیت از عقل و وحی دارد.(۱) و این هواپرستی و تحریف و بدعت گذاری در آخرالزمان آن قدر گسترش می یابد که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام، مردم جاهل سخت تر از جاهلان عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که سنگ و چوب می پرستیدند، در برابر آن حضرت می ایستند و با تأویل و تحریف در کتاب خدا بر ضدّ او احتجاج می کنند.»(۲)

و نیز در رابطه با نابسامانی های جامعه، قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام، نزال بن سیره نقل می کند: روزی حضرت علی علیه السلام ما را مخاطب قرار داده، بعد از حمد و ثنای الهی سه مرتبه فرمود: بپرسید از من قبل از آن که مرا نیابید. سپس صعصعه بن صوحان برخاست و گفت: ای امیرالمؤمنین! دجّال چه زمانی خروج می کند؟

۱- ۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۵۰. «إنّما بدءُ وقوع الفتن أهواء تتبع وأحکام تبتدع؛ همواره سرآغاز فتنه ها، پیروی از هواهای آلوده نفسانی و قوانین انحرافی و اختراعی است.»

۲- ۱۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۲.

حضرت فرمود: به خاطر بسپار علایم آن زمان را؛ «هنگامی که نماز را بمیرانند (حرکات ظاهری هست ولی روح و حیات نماز واقعی را ندارد) و امانت را ضایع کنند، کذب و دروغ گویی را حلال و مجاز شمرند، رباخوار شوند، رشوه گرفتن رایج گردد، ساختمان های زیبا و برافراشته بسازند، دین را به دنیا بفروشند، نادانان ناصالح را به کار گمارند، زنان مشاور امور شوند، صله رحم و پیوندهای خویشاوندی قطع گردد، دنبال هواهای نفسانی (آرا و سلیقه های شخصی و گروهی) روند، خون افراد بی ارزش شود (قتل و خودکشی و کشتار انسان ها در جنگ و... زیاد شود)، حلم و بردباری، ضعف و ناتوانی به حساب آید، ظلم و ستم مایه فخر و مباهات شود، گناه کاران امیر و کارگزار شوند و وزیران ظالم و عرفا، خائن و قاریان فاسق گردند، شهادت و گواهی دادن باطل ظاهر شود، قبح گناه برداشته و خلاف ها، تهمت و گناه و تجاوز علنی گردد.

قرآن و مسجدها به ظاهر زیور و آراسته، و مناره ها زیاد و بلند شود، اشرار و بدان مورد اکرام قرار گیرند، صف ها زیاد و ازدحام شود، هواها، آرا و قرائت ها مختلف، عهدها شکسته و موعود نزدیک گردد، زنان در تجارت و امور اقتصادی با همسران شان مشارکت کنند به خاطر حرص و طمع دنیا، صداها و تبلیغات فاسقان (سایت ها و سی دی های ضد اخلاقی در همه جا) بالا رود و همه جا شنیده شود و از افراد سبک سر و فرومایه، سرپرست گروه و حزب شوند.

خلاف کار به خاطر ترس از شرّش حفظ و دروغ گو تصدیق شود و خائن

ص:۱۹

امین شـمرده شود. آوازهـا، ترانه ها و سـرودها و آهنگ های قبیـح و آلات موسـیقی و بازی فراوان گردد. آخر امّت، اولش را لعن کنـد، زنان بر زین ها سوار شونـد، زنان به مردان و مردان به زنان خود را شبیه نمایند، شاهد بدون مشاهده چیزی شـهادت می دهد و... .

سپس اصـبغ بن نباته می پرسد: ای امیرالمؤمنین! دجّال کیست؟ حضـرت خصوصـیات او را بیان نموده، می فرماید: سرانجام در روز جمعه (آن که حضرت عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می گزارد) او را به قتل می رسانند.

در پایـان صعصعه توضـیح می دهـد: آن کس که حضـرت عیسـی بن مریم علیهمـا السـلام پشت سـر او نمـاز می گزارد، امـام دوازدهم از عترت پیامبرصـلی الله علیه وآله نهمین فرزند حسـین بن علی علیهما السـلام خورشید فروزان بوده که مقابل رکن و مقام ظاهر می شود، زمین را پاک گردانـد و میزان را وضع و عـدالت را اسـتقرار بخشـد، پس هیـچ کس ظلمی نکنـد و سـتمی انجام نگیرد... .(۱)

آری، آن گاه که آدمی در نبود نور و گرمای خورشید بشریت و در محاصره تاریکی ها و تهدیدها قرار گیرد، امید و انتظار به مصلح خدایی پیدا نموده و با تمام وجود، ضرورت او را احساس می کند.

ب) برنامه های بلنـد عملی و اهـداف آرمانی آن حضـرت در همه ابعاد جامعه که هدایت همگان به سوی حق و عدل و قوانین قرآن و رهـایی انسـان هـا از بنـد اسـارت هواهـای حیوانی، فساد و فسق و فریب کاری هاست «یعطف الهوی علی الهـدی...» به گونه ای که جهان خزان دیده و زمستان زده، بی بر گ

۱- ۱۵. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۹۲؛ و ر.ک به: یوم الخلاص: ص ۳۰۸.

و خالی از عدل و آزادی، با ظهور آن بهار راستین حق، سراسر جهان، بهاران، زیبا و لذت بخش شود، همان طور که در زیارت او می خوانیم:

«السلام علی ربیع الأنام ونضره الأیّام(۱)؛ سلام بر آن بهار مردمان و شادی بخش روزگاران.»

آن منجی جهان بشریت، انسان های دور گشته از حقایق و گرفتار در گرداب مذاهب باطل و تئوری های فاسد یا قرائت های مختلف فرقه ای و جناحی را به صراط مستقیم رهنمون می کند و همانند خورشید عالمتاب، با نور علم و منطق و اقتدار خدایی اش و به مصداق آیه:

«لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ...»(۲)؛ «خداوند او را بر همه ادیان و افکار پیروز نماید.»

شریعت محمدی صلی الله علیه وآله را همه جا احیا و حاکم گرداند.(۳)

مقداد بن اسود از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

«در سراسر زمین، حتی خانه ای از سنگ و گل یا خیمه ای از کرک و مو باقی نماند، جز آن که اسلام را وارد آن می کند.»(۴)

منتظرم تا که فصل دی به سر آید

باغ شود سبز و باغبان بدر آید

بلبل عاشق به پای گلبن توحید

اشک فشان باش تا دم سحر آید

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر

بار دگر روزگار چون شکر آید

۱- ۱۶. زیارت نامه حضرت صاحب الزمان علیه السلام. بحار الانوار: ج ۱۰۲ ص ۱۰۱؛ مصباح الزائد: ۴۴۱.
۲- ۱۷. سوره فتح / آیه ۲۸.
۳- ۱۸. تفسیر نور الثقلین: ج ۵ ص ۷۹؛ تفسیر کنز الدقائق: ج ۱۲ ص ۳۱۰.
۴- ۱۹. مجمع البیان: ج ۵ ص ۲۵.

آری آن انسان کامل که تربیت و تعلیم یافته خالق هستی است، ماهیت مردمان و هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی را می شناسد و مختصّات هدایت و ارزش های الهی را می داند. او امّت ها را آگاهی و اراده می دهد تا حیات و سعادت خود را در هدایت و اطاعت دستورات خدا بیابند و استعدادها و غرایز خود را در مسیر رشد و رسیدن به هدف عالی تقرّب به خدا و خداگونه شدن قرار دهند.

آن مرد الهی، سیمای نورانی انسانیت را ظاهر و چهره حقیقی قرآن را روشن خواهد نمود؛ در نتیجه نظریات ناصالح و انحرافی برخاسته از کشش های حیوانی و مغزهای آلوده، به سرعت، توان رویارویی خود را در برابر قرآن و کلام خدا از دست می دهد و فروغ فطرت های پاک پدیدار و همه حق طلب و عدالت خواه شده و مطیع رهبر عدالت گستر می شوند. آن کسی که ولیّ اللّه و کلام اللّه ناطق است و پیام هایی خدایی دارد، دل ها را متوجّه و مرتبط با قرآن می کند تا همگان همگام با هستی، مسیر عدل و عبودیت و اطاعت خدا را طی کنند، چرا که:

«كُلٌّ لَهُ قانِتُونَ»(۱)؛ همه بالا و پستی از آن او و همه مطیع و سر به فرمان اویند.

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّمواتِ وَالأَرْضِ»(۲)؛ آیا ندیدی که هرچه و هرکس در آسمان ها و زمین است تسبیح گوی خداست.

۱- ۲۰. سوره روم / آیه ۲۶.

۲- ۲۱. سوره نور / آیه ۴۱.

در پایـان، می توان پنـد و پیـام تربیـتی و اخلاـقی بلنـدی را نتیجه گرفت که در واقع منشور سـعادت مسـلمانان در دوران غیبت محسوب می شود و آن پیروی از هـدایت وحی و عترت و عقل و ترک تبعیت از تمایلات حیوانی و هواهای نفسانی است. چرا که هرزگی و هواپرستی عامل بدبختی، اختلاف و انحطاط فرد و جامعه بوده و امام زمان علیه السلام با آن ها مبارزه می کند تا جهان را به فلاح و صلاح رساند.

در نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام بارها پیروی هوای نفس را نکوهش کرده و از عوامل اساسی سقوط انسانیت می داند؛ از جمله در بیانی می فرماید:

«أَیُّهَا النّاسُ! إِنَّ أَخْوَفَ ما أَخافُ عَلَیْکُمْ إِثْنانِ: اِتِّباعُ الْهَوی وَطُولُ الْأَمَلِ؛ فَأَمَّا اتِّباعُ الْهَوی فَیَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمّا طُولُ الْأَمَلِ فَیُنْسِی الْآخِرَهَ»(۱)

ترجمه: «ای مردم! بیش از هر چیز، بر شـما از دو چیز می ترسم: هواپرستی و آرزوهای دراز؛ زیرا پیروی از خواهش های دل و نفس، انسـان را از حق (حق جویی، حق گویی و حقـایق) بـاز می دارد و آرزوهـای طولاـنی، آخرت (مرگ، قبر، قیـامت، روز حساب و زندگی جاوید) را از یاد و خاطر می برد.»

۱- ۲۲. نهج البلاغه: خطبه ۴۲.

* * *

«حَتّی تَقُومَ الْحَرْبُ بِکُمْ عَلی ساقٍ بادِیاً نَواجِذُها، مَمْلُوءَةً أَخْلافُها، حُلْواً رَضاعُها، عَلْقَماً عاقِبَتُها»(۱)

ترجمه: «در آینده جنگ با تمام شدّت افروخته و شعله ور گشته و چنگ و دندان هایش را تا آخر نشان دهد و به اوج می رسد، آن هم با پستان های پُر شیر که ابتدا دوشیدن و نوشیدن آن شیرین می نماید لیکن پایانی تلخ و زهرآگین دارد.»

واژه ها: نواجذ (جمع ناجذ): دندان بلوغ، انتهای دندان ها

اخلاف (جمع خِلف): پستان، رفت و آمد و ...

علقم: حنظل و هر چیز تلخ

حلو: شیرین

رضاع: شیر دادن و شیر خوردن

توضیح و تفسیر:

در این بخش حضرت به فتنه ها و جنگ سختی که در آستانه ظهور آن مصلح بشریت رخ می دهد، اشاره می کند و با کنایه و استعاره های زیبا، شدّت آن نبرد و تداوم و گستردگی اش را می رساند و حالت آن جنگ را تشبیه می کند به حال آن که می ایستد با قدرت و ثبات، و نیز به شیر خشمگین که دندان هایش ظاهر می شود و شتری که با شیردار شدن و آماده کردنش برای فرزندش به کمال می رسد. (در واقع هر سه تشبیه بیانگر عظمت و قوّت

ص:۲۴

۱- ۲۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

و قدرت آن جنگ با شرایط و سلاح های مختلف می باشد.) و می فرماید:

«شروع این جنگ شیرین می نماید، شاید به خاطر غلبه و غنایم خوشحال اند، ولی در پایان جز ذلّت و هلاکت و سرانجام جهنّم نمی یابند.»

آنچه از روایات استفاده می شود وقوع جنگ ها و کشتار انسان ها به وسیله نبردها و بیماری های ناشی از آن؛ همانند طاعون، سلاح های میکروبی، قحطی و... می باشد . در حدیثی پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید:

«پس از من فتنه هایی پدید می آید که راه نجاتی از آنها نخواهد بود، در آنها جنگ و آوارگی است و در پی آن فتنه هایی شدیدتر، یکی پس از دیگری شعله ور می شود، به طوری که هیچ خانه ای از عرب نمی ماند که آتش جنگ وارد آن نگشته و هیچ مسلمانی نمی ماند که آن فتنه به او نرسیده باشد. آن گاه مردی از خاندان من ظهور می کند.»(۱)

و در بیانی دیگر می فرماید:

«زمین از ستم و ظلم پر می گردد تا جایی که در هر خانه ای ترس و جنگ وارد شود.»(۲)

هم چنین از امام رضاعلیه السلام نقل شده است:

«قبل از ظهور امام زمان علیه السلام کشتارهای پیاپی رخ می دهد.»(۳)

۱- ۲۴. عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص ۵۰ - ۷۴.
۲- ۲۵. کنز العمال: ج ۱۶ ص ۵۸۴.
۳- ۲۶. غیبت نعمانی: ص ۲۱۷.

و امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

«پیش از ظهور حضرت قائم - عجّل اللّه فرجه الشریف - جهان گرفتار دو گونه مرگ می گردد، مرگ سرخ با شمشیر و سلاح و مرگ سفید با طاعون و ...»(۱)

و بسیاری از دانشمندان غرب نیز با استناد به کتب مقدّس و انجیل و ... جنگ عظیمی را برای آینده عالم پیش بینی نموده اند.(۲)

* * *

۱- ۲۷. غیبت نعمانی: ص ۲۷۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۱؛ یوم الخلاص: ص ۳۹۳.
۲- ۲۸. ر.ك به كتاب: آرماگدون تداركی جنگ بزرگ.

«أَلا وَفِی غَـدٍ - وَسَـیَأْتِی غَـدٌ بِما لا تَعْرِفُونَ - یَأْخُـذُ الْوالِی مِنْ غَیْرِها عُمّالَها عَلی مَساوِی أَعْمالِها وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفالِیـذَ کَبِدِها وَتُلْقِی إِلَیْهِ سِلْماً مَقالِیدَها فَیُرِیکُمْ کَیْفَ عَدْلُ السِّیرَهِ وَیُحْیِی مَیِّتَ الْکِتابِ وَالسُّنَّه»(۱)

ترجمه: «آگاه باشید در فردا، فردایی که قطعاً واقع خواهد شد و هیچ شناختی از آن ندارید، والی و زمامداری از غیر آن ها (خاندان ستمگران و حکومت های امروزی) کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان مؤاخذه و کیفر می کند، برای آن بزرگوار، زمین گنجینه های خود را بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او تسلیم می نماید. پس عدالت را در روش حکومت حق به شما می نمایاند و قوانین متروک شده کتاب و سنت را زنده و اجرا می کند.»

واژه ها: غد: فردا

افالیذ (جمع افلاذ؛ افلاذ جمع فلذ): پاره ها، قطعات

مقالید (جمع مقلاد): کلیدها، خزانه

عمال (جمع عامل): کارگزاران

توضیح و تفسیر:

در این قسمت به برخی از سیره و روش آن مصلح کل اشاره می فرماید

۱- ۲۹. نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

و با جمله معترضه «وسیأتی غد بما لاتعرفون» قطعی بودن وقوع فردا و عظمت و اهمیت حوادث و آنچه نمی دانید را می رساند که به قول شارح معتزلی(۱) این گونه جملات معترضه در قرآن نیز نمونه ها دارد؛ مانند «فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ، إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»(۲) که در این آیه «وإنّه لقسم لو تعلمون عَظیم» جمله معترضه بین قسم و جواب آن است، به علاوه «لو تعلمون» هم معترضه بین معترضه می باشد و... .

به هر حال آن امام آخرالزمان، طاغیان ستمگر را دستگیر و کیفر می کند و موانع ایجاد عدل و قسط برداشته می شود و دیگران نیز عبرت گرفته، ره زشتی و ظلم نابود و برای تحقق عدالت در سراسر عالم همه عوامل آب و باد و ثروت ها و ذخایر زمین تحت فرمان او درآیند و اهل زمین مطیع اوامر آن پیشوای مهربان می شوند و عدل را در تمام ابعاد زندگی می نمایاند.

به فرموده امام صادق علیه السلام:

«أما واللّه! لیدخلنّ علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ والقرّ(۳)؛ آری به خدا سوگند! عدالت او (حضرت مهدی علیه السلام) به خانه های آن ها (به درون زندگی فردی و خانوادگی) نفوذ کند، همچنان که گرما و سرما وارد می شود.»

* * *

۱- ۳۰. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۹ ص ۴۲.
۲- ۳۱. سوره واقعه / آیات ۷۵ - ۷۷.
۳- ۳۲. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۲.

«كَأَنِّى بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشّـام، وَفَحَصَ براياتِهِ فِى ضَواحِى كُوفانَ، فَعَطَفَ عَلَيْها عَطْفَ الضَّرُوسِ، وَفَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّؤُوس. قَدْ فَغَرَتْ فـاغِرَتُهُ، وَثَقُلَتْ فِى الْـأَرْضِ وَطْـأَتُهُ بَعِيـدَ الْجَوْلَه، عَظِيمَ الصَّوْلَه. وَاللَّهِ لَيُشَـرِّدَنَّكُم فِى أَطْرافِ الْـأَرْضِ حَتّى لا ـ يَبْقى مِنْكُمْ إِلّـا قَلِيلٌ كَالْكُحْلِ فِى الْعَيْنِ فَلا تَزالُونَ كَذلِكَ حَتّى تَؤُوبَ إِلَى الْعَرَبِ عَوازِبُ أَحْلامِها! فَالْزَمُوا السُّنَنَ الْقآئِمَهَ وَالآثارَ الْبَيِّنَه وَالْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِى عَلَيْهِ باقِى النُّبُوَّهِ. وَاعْلَمُوا أَنَّ الشَّيْطانَ إِنَّما يُسَنِّى لَكُمْ طُرُقَهُ لِتَتَّبِعُوا عَقِبَهُ.»(۱)

ترجمه: «گویی او را می بینم که از شام فریاد برآورد و با پرچم های خود به سرعت اطراف شهر کوفه را پر کند، پس مانند شتر بدخو و گزنده (به دوشندگانش) حمله می کند و زمین را از سرها فرش نماید، در حالی که دهانش گشاده و گام هایش را سخت و سنگین بر زمین بکوبد، حمله اش بی امان و پایدار و جولان او دور و دراز می باشد.

به خدا سوگند! (آیندگان) شما را در اطراف زمین پراکنده کند؛ تا جایی که از شما جز اندکی نماند، همانند باقیمانده سرمه اطراف چشم. این وضع سخت، همچنان ادامه یابد تا

۱- ۳۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

آن که عقل های از دست رفته و پنهان شـده عرب برگردد. پس (برای رهایی از فتنه ها) باید بر سنّت های پایدار و نشانه های آشکار و عهد و پیمان نزدیک که بقا و استمرار و اتمام نبوّت بر آن استوار است، ملتزم باشید و بدانید که شیطان راه هایش را برای فریب شما هموار می نماید تا گام جای قدمش نهاده و از او پیروی کنید.»

واژه ها: نعق: فریاد زد

فحص: به سرعت

فغر: باز نمودن

شرء: دور و تبعید کردن

ضروس: شتر بدخو

عزب: دور و پنهان

سنّی: آسان و باز کردن

ضواحی (جمع ضاحیه): نواحی آشکار و نزدیک

توضیح و تفسیر:

در این فصل از خطبه، امام علی علیه السلام اشاره به جنگی عظیم و خاص دارد که از منطقه شام آغاز و عراق را فرا می گیرد و با جنایات و حملات نظامی، قدرت و سلطه خود را تثبیت می کند و حاکمیت ظالمانه او تداوم و توسعه می یابد تا جامعه عرب بیدار و خردهای جمعی را به کار انداخته، با اتّحاد یکدیگر قیام کنند و آن حکومت جابرانه را از بین ببرند.

ص:۳۰

برخی از علمای بزرگ؛ ماننـد علّامه مجلسـی رحمه الله آن را مربوط به قیام سـفیانی در هنگامه ظهور حضـرت مهدی موعود – عجّل اللّه فرجه الشـریف – می داننـد و جمعی از شارحین نهـج البلاغه آن را ناظر بر حمله عبـدالملک مروان دانسـته که بعد از غلبه بر شام راهی کوفه شد و به آنجا و اطرافش یورش برد تا مصعب بن زبیر، قاتل مختار بن ابی عبیده ثقفی را به قتل رساند و مردم با او بیعت نمودند، و سپس حجّاج بن یوسف را (۷۳ ه. ق) به مکه برای کشتن عبداللّه بن زبیر فرستاد. او کعبه را منهدم و جمع زیادی را به قتل رساند، تا این که عباسـیان با ابومسـلم خراسانی و ایرانیان روی کار آمدند و سلسـله بنی امیه و بنی مروان منقرض گشت.(۱)

به نظر می رسـد قرائن موجود در این خطبه (قبل و بعـد از این بخش) و در دیگر روایات، مؤیّد و مرجّح سـخن علامه مجلسـی رحمه الله است، که ناظر به ظهور امام مهدی علیه السـلام می باشد؛ یعنی حضـرت علی علیه السـلام بعد از بیان شـیوه حکومت آن رهبر معصوم، می فرمایـد: این حکومت به آسـانی فراهم نگردد، بلکه در آسـتانه آن جنگ سـختی با تهدیـدها و تبلیغ های فریب کـارانه و کشـتار، از منطقه شـام (که شامـل فلسـطین اشـغالی یعنی مرکز این حمله و برنـامه های جنگی بر ضـد اسـلام و ممالـک اسـلامی توسـط سلطه گران غرب و صـهیونیست هـا نیز می شود) آغاز شـده، کوفه و اطرافش را می کوبـد (عراق را تصرف می کند) و ...که این می تواند ناظر به حمله اخیر آمریکا به عراق و جنگ هایی در آینده (خاصه با تئوری صهیونیستی تشکیل خاورمیانه بزرگ و نقشه ادعایی از نیل

۱- ۳۴. منهاج البراعه: ج ۸ ص ۳۵۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۹ ص ۴۰.

تا فرات)، پیشگویی های غربی ها به این که بزرگ ترین جنگ جهانی در این منطقه رخ می دهد و حتی قیام سفیانی بزرگ ترین مخالف نهضت عادلانه مهدوی باشد.

با عنایت به این که کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام اطلاق دارد و تصریحی به شخص و عصر خاصی ندارد، علاوه بر این که با روی کار آمدن بنی عباس و انقراض حکومت امویان، ظلم و فساد تمام نشد و رهبری معصوم و عالم و عادل قیام نکرد تا قرآن و عترت و سنت را احیا کند؛ به علاوه در فصل ۱ و ۲ اوصاف مذکور در این خطبه، تنها قابل تطبیق بر حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

با توجّه به روایت امام صادق علیه السلام که می فرماید:

«نَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ، فَمَنْ وَفی بِعَهْدِنا فَقَدْ وَفی بِعَهْدِ اللَّه...(۱)؛ ماییم عهد الهی، پس آن که به عهد ما وفادار باشد، به راستی به عهد و پیمان خدا وفا کرده است.»

و هم چنین بیان آن حضرت در تفسیر آیه «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّه...»(۲)، همان پذیرش ولایت علی و ائمّه معصومین بعد از او (علیهم السلام) باشد. و نیز مراد از عهد در آیه «قالَ لا یَنالُ عَهْدِیَ الظّالِمِینَ»(۳) مقصود امامت باشد.(۴) و در تأیید این نظر می توان از جمله «والعهد القریب...» استفاده کرد.

خلاصه نسبت به امام زمان علیه السلام، امام به حق و جانشین پیامبرصلی الله علیه وآله تعهداتی

۱- ۳۵. اصول کافی: ج ۱ ص ۲۲۱؛ فصلنامه انتظار: ج ۱۱ ص ۱۲.
۲- ۳۶. سوره نحل / آیه ۹۱.
۳- ۳۷. سوره بقره / آیه ۱۲۴.
۴- ۳۸. تفسیر نورالثقلین: ج ۱ ص ۱۲۲؛ قاموس قرآن {تفسیر المیزان}: ج ۲ ص ۲۷۶.

داریم که باید آن ها را شناخت (معرفت، محبت، ولایت، اطاعت و ...) و به آن ملتزم شد، همچنان که در زیارت حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

«السلام علیک یا میثاق اللّه...»(۱)

در پایان، حضرت علی علیه السلام برای مصونیت و رهایی از فتنه ها در هر عصر و زمینه سازی قیام امام مهدی علیه السلام توجّه و التزام به کتاب اللّه (قرآن، کتاب قانون سعادت بخش انسان) و سنت پیامبرصلی الله علیه وآله، حقایق اسلام و همراه شدن با ولایت و خلیفه اللّه که باقی مانده و عامل بقا و استمرار نبوت است را توصیه می کند و نیز هشدار می دهد که شیطان در کمین است، مبادا غفلت نموده سراغتان آید و اسیر نیرنگ های به ظاهر زیبای او شوید (عوامل مخفی، تهاجم فرهنگی و تبلیغات فریب کارانه شیاطین شرق و غرب، با الفاظ به ظاهر زیبای آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و ...شما را به فساد و گناه کشانند تا سلطه استعماری خود را ادامه دهند) که گرفتار بدبختی دنیا و آخرت خواهید شد.

و مشابه این بیان را در جای دیگر نسبت به حوادث سخت آینده منطقه شام و کوفه آورده، می فرماید:

«فَوَالَّذِی فَلَقَ الْحَبَّهَ وَبَرَأَ النَّسَمَهَ! إِنَّ الَّذِی أُنَبِّئُکُمْ بِهِ عَنِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ ما کَذِبَ الْمُبَلِّغُ وَلا جَهِلَ السّامِعُ، لَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلی ضِلِّیلٍ قَدْ نَعِقَ بِالشّامِ وَفَحَصَ برایاتِهِ فِی ضَواحِی کُوفانٍ، فَإِذا فَغِرَتْ فاغِرَتُهُ... .»(۲)

ص:۳۳

۱- ۳۹. بحار الانوار: ج ۱۰۲ ص ۹۳؛ مفاتیح الجنان: زیارت آل یس.

۲- ۴۰. نهج البلاغه: خطبه ۱۰۰.

ترجمه: «پس سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان و جانداران را آفرید! آنچه به شما خبر می دهم از جانب پیغمبر امّی (با علوم خدایی نه دانش مدرسه ای) است، مطمئناً نه گوینده دروغ گفته و نه شنونده ناآگاه بوده است. گویا می بینم شخصی سخت گمراه که از شام فریاد زند و بتازد و پرچم های خود را در اطراف کوفه نصب کند و چون دهان گشاید و سرکشی کند و پا زدنش (جای پایش) بر زمین محکم گردد، فتنه فرزندانش را با دندان هایش بگزد و آتش جنگ شعله ور گردد، روزها با چهره گرفته و عبوس ظاهر شود و شب ها دلخراش با رنج و اندوه بگذرد و ... .»

ص:۳۴

گفتار دوم:آینده روشن

«لَتَعْطِفَنَّ الـدُّنْیا عَلَیْنا بَعْـدَ شِماسِـها عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلی وَلَـدِها - وتلا هذه الآیه عقیب ذلك - :(۱) «وَنُرِیـدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ ».»(۲)

ترجمه: «قطعاً دنیا بعد از سرکشی و دشمنی هایش به ما روی خواهد آورد؛ همانند شتری بدخو که به بچّه خود مهربان گردد و به آن روی آورد - سپس این آیه را تلاوت فرمود - : و ما اراده کردیم به مستضـعفان زمین منّت گـذارده، آنان را پیشوایان و وارثان (زمین و زمامداران) قرار دهیم.»

واژه ها: شماس: سرکشی، دشمنی، بخل و حسد ورزیدن

ضروس: شتر ماده بدخو

عطف: میل کردن، مهربانی و محبت

توضیح و تفسیر:

در این حکمت کوتاه، امام المتقین علی علیه السلام ضمن تحقیر دنیا، با تشبیهی

ص:۳۵

۱- ۴۱. نهج البلاغه: حکمت ۲۰۹.

۲- ۴۲. سوره قصص / آیه ۵.

زیبا و رسا، حقیقتی را به استناد آیه شریفه قرآنی بیان می فرماید. بدخویی دنیا نسبت به عترت پیامبر را (که با غصب خلافت بعد از رحلت رسول خداصلی الله علیه وآله آغاز شد) تشبیه نموده به شتری ماده که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای صاحب حق و ولدش نگه می دارد و سرانجام فرآورده نوشین خود را در اختیار او قرار می دهد. همان فرزندی که دوشندگان غاصب، او را به استضعاف کشانده بودند تا ظالمانه حقّ وی را ببرند.

جالب این که در برخی از روایات، به ائمّه بعد از پیامبر علیهم السلام مستضعف اطلاق شده است؛ از جمله روایتی که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إنّ رسول اللّه نظر إلی علیّ والحسن والحسین علیهم السلام، فبکی وقال: أنتم المستضعفون بعدی؛(۱) روزی رسول خداصلی الله علیه وآله به حضرت علی و امام حسن و امام حسین - علیهم السلام - نظر افکند و گریست و فرمود: بعد از من، شما مستضعفان می باشید.»

مفضّل (از اصحاب امام صادق علیه السلام) سؤال کرد: ای فرزند پیامبر خدا! معنای این کلام چیست؟ حضرت فرمود:

«قال صلی الله علیه وآله: معناه أنّکم الأئمّه بعدی، إنّ اللّه -عزوجلّ - یقول: «وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ...»، فهذه الآیه جاریه فینا إلی یوم القیامه؛ رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: شما امامان بعد از من هستید؛ زیرا خدای می فرماید: «وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ...» و این آیه درباره ما جاری است و امامت ما تا قیامت و پایان عمر دنیا ادامه دارد.»

۱- ۴۳. نور الثقلین: ج ۴ ص ۱۱۰.

به علاوه در تفسیر آیه مذکور، از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هم آل محمّدصلی الله علیه وآله، یبعث اللَّه مهدیَهم بعد جهدهم، فیعزّهم ویذلّ عدوّهم(۱)؛ مقصود از این گروه مستضعف، اهل بیت پیامبرعلیهم السلام هستند که خداوند مهدی آنان را بعد از سختی هایی که بر آنان وارد شود، برمی انگیزاند و آنان را عزّت می دهد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می کند.»

و هم چنین در حدیث است: آن گاه که حکیمه خاتون حضرت مهدی علیه السلام را که نوزاد و کودک بود، خدمت پدرش امام حسن عسکری علیه السلام آورد، لب به سخن گشود و آیه «وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ...» را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» تا آخر تلاوت فرمود.(۲)

در تأیید آنچه گذشت، کلام امام زین العابدین علیه السلام است که می فرماید:

«والّذی بعث محمّداً بالحقّ بشیراً ونذیراً! إنّ الأبرار منّا أهل البیت وشیعتهم بمنزله موسی وشیعته، وأنّ عدوّهم وأشیاعهم بمنزله فرعون وأشیاعه(۳)؛ سوگند به آن که حضرت محمدصلی الله علیه وآله را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرارداد، نیکان از ما اهل بیت و شیعیان آن ها به منزله موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آن ها همانند فرعون و پیروانش می باشند.»

ص:۳۷

۱- ۴۴. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۵۴؛ نور الثقلین: ج ۴ ص ۱۱۰؛ غیبت شیخ طوسی: ص ۱۱۳.

۲- ۴۵. تفسیر نور الثقلین: ج ۴ ص ۱۱۱.

۳- ۴۶. کنز الدقائق: ج ۱۰ ص ۳۲؛ تفسیر مجمع البیان: ج ۴ ص ۲۳۹.

یعنی بعد از همه ظلم ها و محرومیت ها، سرانجام بر دشمنان و فرعونیان غلبه خواهیم کرد و با هلاکت آن ها، حکومت حق را ایجاد خواهیم نمود.

نتیجه این که امام علی علیه السلام در این کلام از آینده نورانی و زیبایی خبر می دهد که همان پیروزی اهل حق بر باطل و تحقق مدینه فاضله و آرمان شهر جهانی سرشار از عدالت و امنیت و ارزش های الهی خواهد بود که توسط خاتم اوصیا، حضرت مهدی علیه السلام تشکیل و رهبری می شود و اوست که وارث همه انبیا و اوصیا و وارث همه حکومت ها بر گستره ارض خواهد بود و بعد از او نیز دولت حق و عدل توسط سایر امامان معصوم علیهم السلام تا هنگام وقوع قیامت (بر اساس روایات متعدد در مورد رجعت)(۱) ادامه خواهد یافت.

حال با توجّه به دلالت روشن این کلام بر عصر ظهور حجه بن الحسن العسکری علیه السلام(۲) دلیلی ندارد تا آن را به حاکمیت بنی عباس (سفاح و منصور و ... خلفای عباسی) بعد از سقوط بنی امیه منحصر بدانیم؛ چرا که برخلاف ظاهر کلام و نیز مخالف روایات مذکور است، مضافاً که در زمان عباسیان، نه تنها خلافت به اهل بیت علیهم السلام نرسید، بلکه امامان معصوم پیوسته در شکنجه و زندان به سر می بردند و خلفای بنی عباس، به شهادت تاریخ، امامان ما و علویان را به قتل می رساندند تا دوران غیبت امام دوازدهم پیش آمد.(۳)

۱- ۴۷. تفسیر عیاشی / ج ۲، ص ۲۸۲ - اصول کافی / ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- ۴۸. منهاج البراعه: ج ۲۱ ص ۲۸۰؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۹ ص ۴۰ و... .

۳- ۴۹. این گونه سخن ها نه تنها پیشگویی و گویای دانش عمیق حضرت علی علیه السلام و یا قدرت ادبی آن امیر بیان بوده، بلکه بیانگر مظلومیت و غربت جانکاه اوست که با کنایه، حرف ها و درد دل هایش را اظهار می کند، به علاوه بر جان اهل بیت و پیروانشان عطر امید می پاشد و یأس و سردی را از دل ها می زداید.

گفتار سوم:اوصاف مصلح موعود

«ومنها: قَدْ لَبِسَ لِلْحِكْمَهِ جُنَّتَها وَأَخَذَها بِجَمِيعِ أَدَبِها مِنَ الْإِقْبالِ عَلَيْها وَالْمَعْرِفَهِ بِها وَالتَّفَرُّغِ لَها، فَهِیَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَآلَّتُهُ الَّتِی یَطْلُبُها وَحاجَتُهُ الَّتِی یَسْأَلُ عَنْها، فَهُوَمُغْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلامُ وَضَرَبَ بِعَسیبِ ذَنَبِهِ وَأَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرانِهِ، بَقِیَّهٌ مِنْ بَقایا حُجَّتِهِ، خَلِیفَهٌ مِنْ خَلآئِفِ أَنْبِیآئِهِ.»(۱)

ترجمه: «به راستی که او سپر و زره حکمت را به بر کرده (یعنی با داشتن مراتب عالی علم و عصمت، از تیرهای تمایلات نفسانی و علایق مادی مصون می باشد) و حکمت را با تمام آدابش داراست که عبارتند از اقبال و توجّه به آن، و معرفت کامل به آن، و فارغ شدن برای آن؛ به گونه ای که حکمت گمشده او بوده و همواره آن را می طلبد و آرزو و نیاز اوست که پیوسته (به خاطر شدت اشتیاق به حکمت) جویای آن است. پس آن رهبر موعود، غربت و غیبت اختیار کند هنگامی که اسلام غریب، و در غروب باشد و همانند

ص:۳۹

۱- ۵۰. نهج البلاغه: خطبه ۱۸۱.

شتر رنج دیده و در راه مانده، دم خود را به حرکت درآورد و سینه اش را به زمین چسباند.(۱) او باقیمانده حجت های خدا و آخرین خلیفه از جانشینان پیامبران خدا است.»

واژه ها: ضآلّه: گمشده

جنّه: سپر، نوعی لباس

عسیب: رستنگاه مو، بیخ چانه و دم

ذَنَب: دنباله، دم

جران: جلوی گردن شتر یا سینه او

شأن صدور خطبه:

نوف بکالی(۲) نقل کرده است: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سال ۴۰ ه. ق (اواخر عمر خود) در شهر کوفه، روی سنگی که «جعده بن هبیره مخزومی»(۳) آماده کرده بود، ایستاد و در حالی که امام علیه السلام پیراهنی از پشم بر تن داشت و بند شمشیر و کفش او از لیف خرما و بر پیشانی حضرتش (از کثرت سجود) پینه آشکار بود، این خطبه را ایراد فرمود.

۱- ۵۱. در بین عرب ها این ضرب المثل بوده و کنایه از درماندگی و ناتوانی از قیام و حرکت است و علی علیه السلام با تشبیه اسلام به شتر آسیب دیده و خفته {که حیات و حضور ظاهری دارد ولی بی تحرک و بی فایده مانده است} نهایت ضعف و ناتوان شدنش را در آخرالزمان می رساند.

۲- ۵۲. نوف پسر فضاله از بنی بکال که قبیله و تیره ای بودند در حمیر {محلی در نزدیکی صنعای یمن}. وی از اصحاب خاصّ امام علی علیه السلام است.

۳- ۵۳. جعده خواهرزاده امام علی علیه السلام، پسر امّ هانی دختر ابوطالب، که از طرف آن حضرت استاندار خراسان بوده است.

توضیح و تفسیر:

امام علی علیه السلام در این خطبه بعد از حمد و ثنای خداوندی و بیان راه های شناخت او و توصیه به تقوا و عبرت و درس آموزی از تاریخ، به بیان برخی از اوصاف آخرین حجّت حق می پردازد و ضمن ذکر فضیلت و حکمت او، غیبت و غربتش را (غیبت صغری و کبری و عدل اسلام(۱) و قرآن بودنش را که با غروب و طلوع هریک، دیگری هم غروب و طلوع می یابد،(۲) خاطرنشان می سازد.

آری؛ علی علیه السلام در آن عصر سخت اسلام، آینده امیدآفرین را نوید می دهد، (ائمه علیهم السلام نیز در هر فرصت مناسبی، از ظهور و نهضت عظیم علوی جهانی مهدی موعودعلیه السلام و ویژگی های او و حکومت و یارانش خبر می دادند).

از علّامه مجلسی رحمه الله نقل شده که می گوید: این بخش از خطبه در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام می باشد و هم چنین ابن ابی الحدید این نظر را به شیعه امامیه نسبت می دهد.(۳) و نیز علّامه خویی رحمه الله همین نظر را تأیید نموده(۴) و عقیده طایفه معتزله را که می گویند: «آن حضرت در آینده و آخرالزمان به دنیا خواهد آمد و مدتی پنهان بوده، بعد قیام می کند» رد می نماید؛ چرا که ما دلایل عقلی و نقلی و روایات و اخبار متواتر و فراوان داریم که هیچ گاه زمین از

ص:۴۱

---

۱ - ۵۴. قال النبیّ صلی الله علیه وآله: «إنّی تارك فیكم الثقلین: كتاب اللّٰه وعترتی أهل بیتی، فإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض». {حدیث متواتر و مشهور در کتب شیعه و سنی}

۲- ۵۵. قال النبیّ صلی الله علیه وآله: «الإسلام بدأ غریباً وسیعود غریباً».

۳- ۵۶. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۰ ص ۹۶.

۴- ۵۷. شرح نهج البلاغه، محقق خویی: ج ۱۰ ص ۳۵۱.

حجت حقّ و امام معصوم خالی نمی باشد و در کتب اهل تسنن نیز مکرر آمده است.(۱) به علاوه عقیده ما شیعیان دوازده امامی بر آن است که حضرتش در زمان خاصی (سال ۲۵۵ ه. ق) در سامراء از پدر و مادر خاص (امام حسن عسکری و نرجس خاتون علیهما السلام) با تمام خصوصیاتش به دنیا آمده و اکنون زنده و در پرده غیبت به سر می برد؛ همانند خورشید در پشت ابرها که باز نور و انرژی حیات بخش آن به تمام موجودات زمین می رسد. البته پنهان بودن آن ولی اللّه اعظم - عجّل اللّه فرجه الشریف - از دید مردم به خاطر مصالح و حکمت است و آن گاه که زمینه های اجتماعی و علمی و... فراهم شود، به فرمان الهی قیام می کند و بشریت را از بدبختی و ظلم و فساد نجات می دهد.

مسئله طول عمر آن حضرت نیز از نظر علمی، تاریخی، اعتقادی و ... پاسخ داده شده است که پرداختن به آن از حوصله این کتاب بیرون است.

امام علی علیه السلام در بیان ویژگی های آن منجی موعود می فرماید:

الف) حکمت را با تمام آداب و ابعادش داراست، حقایق هستی و علوم حقّه را یافته، مطیع محض خدا می باشد (بیعت هیچ قدرتمندی را ندارد) عبودیت و خشیت پروردگار، پرورده اوست (در برابر تیرهای توطئه ها و تهدیدهای شیاطین درون و بیرون) معصوم است و مصون (در حصن تقوا و خوف خداوندی) و چون می داند خصلتی شریف تر و رفیع تر و گران بهاتر از حکمت نیست، چنان که قرآن می فرماید:

«وَمَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً»(۲)

۱- ۵۸. الإمام المهدیّ عند أهل السنّه.

۲- ۵۹. سوره بقره / آیه ۲۶۹.

یـا آن که نسـبت به همه جهـان و دنیا می فرمایـد: «قُلْ مَتاعُ الـدُّنْیا قَلِیلٌ»(۱) یعنی او از علاـیق و وابسـتگی هـای دنیوی و مادی محدود، دل بریده، و با حکمت و معنویت و ملکه فضایل کامله انس و الفت یافته، همان گونه که علی علیه السـلام می فرماید: «الحکمه ضآلّه المؤمن.»(۲)

ب) آن رهبر موعود از نظرهـا غـایب بوده؛ زیرا اسـلام غریب و در غربت مانـده است (بـا فراگیر شـدن فساد و گسترش جور و جنایت)، قرآن مهجور واقع شـده و عترت همان امام معصوم و عدل کتاب الله است و طبق حدیث ثقلین(۳) که با مهجور ماندن یکی، دیگری هم مهجور قرار می گیرد وقـتی قوانین قرآن و دسـتورات اسـلام و ارزش هـای اخلاـقی آن منزوی گشت و افول نمود، امام حقّ و عدل هم دور از مدیریت دین و دنیای جامعه بشـری (در غیبت) به سـر می برد و همان طور که پیامبرصـلی الله علیه وآله فرمود:

«إذا خرج المهدیّ من ولدی نزل عیسـی بن مریم فصلّی خلفه، بدء الإسـلام غریباً وسیعود غریباً کما بدء، فطوبی للغرباء. قیل: یا رسول اللَّه! ثمّ یکون مـاذا؟ قـال: ثمّ یرجع الحقّ إلی أهله(۴)؛ وقتی حضـرت مهدی علیه السـلام قیام کند، او که از فرزندان من است، حضـرت عیسـی علیه السلام از آسمان فرود آید و پشت سر او به نماز ایستد، اسلام با غربت و کمی یاور شکل گرفت و در آینده

۱- ۶۰. سوره نساء / آیه ۷۷.

۲- ۶۱. نهج البلاغه: حکمت ۸۰.

۳- ۶۲. مسند حنبل: ج ۵ ص ۱۸۱؛ کنز العمال: ج ۱ ص ۴۴؛ مجامع روایی شیعه.

۴- ۶۳. بحار الانوار: ج ۲۵ ص ۱۳۶؛ منتخب الأثر: ص ۴۱.

نیز غریب خواهد شد (کمی مسلمانان راستین و عدم اجرای دستوراتش) پس خوشا به حال غریبان (مسلمانان اندکی که صبر کردند و ایمان خود را حفظ نمودند و به پاداش و بهشت رسیدند).

در ادامه از پیامبرصلی الله علیه وآله سؤال شد: بعد از غربت چه خواهد شد؟ فرمود: آن گاه حقّ به اهلش برمی گردد (خلافت و حکومت به امام حق و جانشینان معصوم پیامبرصلی الله علیه وآله می رسد و اسلام عزّت و اقتدار می یابد)».

جالب آن که در برخی از روایات به حضرت مهدی علیه السلام نسبت غریب داده شده؛ از جمله امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید:

«هو الطرید الوحید الغریب الغائب عن أهله الموتور بأبیه».(۱)

ج) ویژگی دیگر آن صاحب حکمت، این است که آخرین و باقیمانده حجت های الهی و از جانشینان پیامبران می باشد (برای هدایت و رهبری بندگان خدا). بدیهی است وصف حجه اللّه و خلیفه اللّه فقط به انبیا و اوصیا و ائمّه معصوم و منصوب پیامبرصلی الله علیه وآله اطلاق می شود (نه به هر عالم یا عارفی بدون مقام عصمت که کلام و کارش حجت نمی باشد) و خلیفه و وارث واقعی انبیا و امامان علیهم السلام در عصر غیبت، همان مهدی منتظرعلیه السلام می باشد.(۲)

شاید این همه توصیف و تبیین ویژگی های آن امام موعود، هشدار ائمه علیهم السلام است به پیروان خود و مسلمانان تا مبادا در عصر طولانی غیبت

۱- ۶۴. منتخب الأثر: ص ۲۶۲.

۲- ۶۵. منهاج البراعه / ج ۱۰، ص ۳۵۵.

و آزمون های سخت، دنبال هر فرصت طلب مدّعی مهدویت بروند، بلکه با آگاهی از معیارهای مکتبی، مدعیان دروغین را طرد کنند.

در فصل پایانی خطبه، حضرت علی علیه السلام اصحاب خود را پند و اندرز می دهد و با یادی خاص از یاران شجاع و شهیدش، همگان را برای جهاد و پیکار علیه معاویه بن ابوسفیان، مهیا و سازماندهی کرده، این گونه می فرماید:

«ای مردم! من مواعظی را که پیامبران برای امّت های خود بیان کردند میان شما نشر دادم و تکالیفی را که جانشینان پیامبران گذشته در میان امّت خود به انجام رساندند، تحقق بخشیدم. با تازیانه (کنایه از کلام تند) شما را ادب کردم نپذیرفتید، به راه راست نرفتید، با هشدارهای فراوان شما را خواندم ولی جمع نشدید.

شما را به خدا! آیا منتظرید رهبری جز من با شما همراهی کند و راه حق را به شما نشان دهد؟ آگاه باشید! آنچه از دنیا روی آورده بود، پشت کرد و آنچه پشت کرده بود روی آورد و بندگان نیکوکار خدا آماده کوچ کردن شدند و دنیای اندک و فانی را با آخرت جاویدان تعویض کردند.

آری، آن دسته از برادرانی که در جنگ صفین خونشان ریخت، هیچ زیانی نکرده اند؛ گرچه امروز نیستند تا خوراکشان غم و غصّه، و نوشیدنی آن ها خونابه دل باشد.

ص:۴۵

به خدا سوگند! آنان خدا را ملاقات کردند، که پاداش آنان را داد و پس از دوران ترس، آن ها را در سرای امن خود جایگزین فرمود.

کجا هستند برادران من که بر راه حق رفتند و با حق درگذشتند؟! کجاست عمّار؟ کجاست پسر تیهان (مالک بن تیهان انصاری)؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ (خزیمه بن ثابت انصاری که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شهادت و گواهی او را ذوالشهادتین - دو شهادت - دانست) و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و (دشمنان) سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟!»

نوف می گوید: امام علیه السلام به اینجا که رسید، دست به محاسن مبارک گرفت و زمانی طولانی گریست و سپس فرمود:

«دریغا! از برادرانم که قرآن را خواندند و براساس آن قضاوت کردند، در واجبات الهی اندیشه کرده و آن ها را برپا داشتند. سنّت های خدا را زنده و بدعت ها را نابود کردند. دعوت جهاد را پذیرفته و به رهبر خود اطمینان داشته و از او پیروی کردند.»

سپس با صدای بلند فرمود:

«جهاد! جهاد! بندگان خدا، من امروز لشکر آماده می کنم، آن که می خواهد به سوی خدا رود، همراه ما خارج شود.»

نوف در این مورد می گوید: امام علی علیه السلام برای امام حسین علیه السلام ده هزار سپاهی، برای قیس بن سعد ده هزار سپاهی، برای ابوایوب انصاری ده هزار سپاهی و برای دیگر فرماندهان نیز سپاهی معیّن کرد و آماده بازگشت به صفّین بود که قبل از جمعه، ابن ملجم ملعون به امام ضربت زد و لشکریان به خانه ها بازگشتند و ما چون گوسفندانی بودیم که شبان خود را از دست داده و گرگ ها از هر طرف برای ما دهان گشوده بودند.

ص:۴۷

گفتار چهارم:اهداف حضرت مهدی علیه السلام

«اَللَّهُمَّ بَلی لاـ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قآئِم لِلَّهِ بِحُجَّهٍ؛ إمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، وَإمّا خآئِفاً مَغْمُوراً لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّناتُهُ. وَكَمْ ذا وَأَيْنَ أُولئِكَ؟ أُولئِكَ - وَاللَّهِ - الْأَقَلُّونَ عَدَداً وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْراً، يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّناتِهِ حَتّى يُودِعُوها نُظَرآءَهُمْ وَيَزْرَعُوها فِي قُلُوبِ أَشْباهِهِمْ، هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلى حَقِيقَهِ الْبَصِيرَهِ وَباشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَاسْتَلانُوا مَا اسْتَعْوَرَهُ الْمُتْرَفُونَ، وَأَنِسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجاهِلُونَ وَصَحِبُوا الدُّنْيا بِأَبْدانٍ أَرْواحُها مُعَلَّقَهٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلى أُولئِكَ خُلَفآءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالدُّعاهُ إِلى دِينِهِ. آهِ آهِ شَوْقاً إِلى رُؤْيَتِهِمْ! اِنْصَرِفْ يا كُمَيْلُ إِذا شِئْتَ.»(۱)

ترجمه: «آری خداوندا! هیچ گاه زمین خالی نمی ماند از کسی که به دلیل و حجّت دین خدا را برپا دارد، حال یا آشکار و مشهور یا ترسان و پنهان، تا حجت ها و دلیل های روشن خدا باطل نشده و از بین نرود، اینان چه تعدادند و کجایند؟

ص:۴۸

۱- ۶۶. نهج البلاغه: حکمت ۱۳۹.

به خدا سوگند! که شمار آنان اندک ولی نزد خدا منزلت والا دارند و بسیار بزرگوارند (بزرگ مقدارند) که خدا به وسیله آنان حجت ها و نشانه های خود را حفظ می کند تا به افرادی که همانندشان هستند بسپارد و در دل های آنان بکارد، آنان که علم و دانش را با نور حقیقت بینی برگرفتند و روح یقین را دریافته اند و آنچه خوش گذران ها دشوار شمارند، آسان و دلنشین گرفته و با آنچه نادانان هراس دارند، انس گرفته اند. در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که روح هایشان به جهان بالا پیوند خورده است، آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان به سوی دین خدایند، آه و افسوس، چه سخت شوق دیدارشان دارم! ای کمیل هرگاه خواستی باز گرد.»

واژه ها: مغمور: غمر، پوشانیده، فراگرفتن آب

استلان: نرم شمردن، نرم یافتن

مترف: به ناز و نعمت پرورده، ستم کار

استوعر: سخت و دشوار

توضیح و تفسیر:

کمیل بن زیاد نخعی(۱) می گوید: امیرالمؤمنین علی علیه السلام دست مرا گرفت و به

۱- ۶۷. کمیل از اهالی یمن و از اصحاب بزرگوار و خواص یاران و صاحب سرّ و راز امام علی علیه السلام بود. دعای معروف کمیل را حضرت به او آموخت و این مصاحبت عرفانی را {به نقل شیعه و سنی} با او داشته است. سرانجام طبق پیشگویی علی علیه السلام در مسیر مکتب شیعی، حجاج او را به شهادت رساند.

سوی بیرون شهر کوفه روان شد، وقتی به فضای صحرا و طبیعت صاف رسید، آهی عمیق، سرد و پردرد کشید و این کلام سراسر حکمت و کرامت را بیان کرد.

علاّمه خویی رحمه الله می نویسد: این خلوت روحانی حضرت علی علیه السلام با کمیل، ظاهراً شب هنگام انجام گرفته و بعد از جنگ صفین و اندوه عظیم علی علیه السلام که فتنه خوارج و سستی اهل کوفه آشکار گردید، واقع شده است.(۱)

امام علیه السلام ابتدا با یک هشدار و تذکّر، سخن را آغاز و کمیل را آماده دریافت و تحمل حقایق و معارف بلند می نماید، آن گاه همانند یک جامعه شناس بصیر به صورت علمی و عالی، افراد جامعه را به سه دسته تقسیم می کند:

۱ - عالم و دانشمند ربانی.

۲ - متعلّم و دانشجوی راه سعادت و حقّ.

۳ - گروه عوام پشه منش که دستخوش بادها بوده و سرگردانند، دنبال هر سر و صدایی می روند و با وزش هر بادی حرکت می کنند (فاقد زندگی هدفمند و عقلانی اند). سپس به ارزش دانش و مقام دانشمند و برتری عالمان بر ثروتمندان می پردازد و در برتری علمی خود بر همگان، به سینه مبارکش اشاره نموده، می فرماید:

«ها إنّ هاهنا لَعِلْماً جمّاً(۲)؛ آگاه باش! به راستی که اینجا دانش ژرف و انبوهی انباشته...»

و خداوند علم و معالم حقّ را در تمام اعصار (اگرچه در گروهی قلیل) نگه

ص:۵۰

۱- ۶۸. منهاج البراعه: ج ۲۱ ص ۲۲۱.

۲- ۶۹. نهج البلاغه: حکمت ۱۳۹.

می دارد و آنـان حجت های خداینـد، آشـکار و شـناخته شـده در میان مردم و یا ترسان و پنهان (ماننـد امام دوازدهم حضـرت مهدی علیه السلام).

در اینجا حضرت علی علیه السلام به یکی از فلسفه های غیبت و پنهان بودن امام زمان علیه السلام که همان ترس از قتل و عدم یاران مخلص کافی و آمادگی نداشـتن جامعه باشـد، اشاره می کنـد و روایات متعددی براین حقیقت دلالت دارد (که خداوند آخرین رهبر و امام معصوم را برای نجات بشـریت و تحقق عدالت جهانی و احیای احکام الهی، از نظرها پوشیده و پنهان داشته تا مانند یازده امام معصوم علیهم السلام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معیّن فرموده بود، به شهادت نرسانند).

از جمله امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِلْقـآئِمِ غَیْبَهً قَبْـلَ ظُهُورِهِ. قُلْتُ: لِمَ؟ قالَ: یَخافُ الْقَتْل(۱)؛ مطمئنـاً برای قائم ما غیبتی است قبل از ظهورش. راوی می پرسـد: چرا و به چه علت؟ می فرماید: به خاطر ترس از قتل.»

و نیز در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمُهَذَّبِ الْخآئِفِ(۲)؛ سلام برتو ای پاکیزه جان ترسان.»

حال با توجّه به این که امام و حجت غایب، با این ویژگی ها، تنها حجه بن الحسن المهدی علیه السلام می باشد، به وضوح می توان گفت بیان امام علی علیه السلام در رابطه با آن امام مخفی از نظر می باشد.

۱- ۷۰. منتخب الأثر: ص ۲۶۹؛ اصول کافی: ج ۱ ص ۳۳۷؛ مکیال المکارم: ص ۱۵۵؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۱۵۷.

۲- ۷۱. مصابیح الجنان: ص ۴۶۸.

و بر این حقیقت که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هیچ گاه زمین از حجّت و خلیفه اللّه خالی نمی ماند»، روایت امام صادق علیه السلام نیز دلالت دارد که می فرماید:

«... ولَمْ تَخْلُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ علیه السلام مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ فِیها؛ إِمّا ظاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غآئِبٌ مَسْتُورٌ. وَلا تَخْلُو الْأَرْضُ إِلی أَنْ تَقُومَ السّاعَهُ مِنْ حُجَّهٍ(۱)؛ از هنگامی که خداوند آدم علیه السلام را آفرید، زمین از حجت خدا خالی نمانده؛ خواه آشکار و مشهور باشد یا پنهان و پوشیده از چشم ها، و خالی نبودن زمین از حجّت و انسان کامل ادامه خواهد داشت تا زمان قیامت و برپا شدن رستاخیز.»

و نیز از حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی باشد، حال آن حجّت، یا آشکار و یا پنهان است.»(۲)

ابن ابی الحدید (دانشمند مشهور اهل تسنن) می گوید:

«این کلام علی علیه السلام ناظر به مذهب امامیه و شیعه می باشد.(۳) (یعنی اعتقاد به وجود امام در هر عصر و زمان).»

و ابن میثم نیز می نویسد:

«سخن آن حضرت بیانگر همان نظر شیعه است که وجود امام در هر زمان بین مردم، مقتضای حکمت الهی بوده و

۱- ۷۲. منتخب الأثر: ص ۲۷۱.

۲- ۷۳. اصول کافی: ج ۱ ص ۱۷۸ و ۵۲۵؛ کمال الدین وتمام النعمه: ص ۵۱۱.

۳- ۷۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۸ ص ۳۵۱.

چندان که تکلیف باقی است، وجود امام نیز واجب و لازم می باشد، حال ظاهر و آشکار یا غایب(۱) (مانند وجود خورشید که برای عالم تکوین و طبیعت ضرورت دارد). و اکنون که همه امامان شیعه از دنیا رفته اند، تنها حجّه اللّه و خلیفه اللّه در جهان، حجّه بن الحسن العسکری علیه السلام است.»

آن گاه حضرت علی علیه السلام در بیان هدف و نقش محوری حجت های الهی در زمین می فرماید:

«تا نشانه های خداوندی (آثار نبوت، احکام دین، علم، معرفت و عبودیت راستین) از بین نرود و ارزش های الهی و انسانی، اسوه ها و الگوهای فضیلت و هدایت بماند؛ یعنی در وجود آن انسان کامل و به برکت او، نور علم و حقّ در جهان ظلمانی جهل و مادیت، جلوه گر باشد و بشریت هدایت شود.»

حال اینان چه تعدادند و کجایند؟ امام علیه السلام به جای بیان کمیت و تعداد و مکان آن ها، به پاسخ بلندی اشاره می کند و می فرماید:

«به خدا سوگند! اینان در شمارش و از حیث کمّی اندکند،(۲)

۱- ۷۵. شرح نهج البلاغه، کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی: ج ۵ ص ۳۲۶.
۲- ۷۶. در رابطه با اصل امامت و ضرورت وجود مستمرّ امام معصوم در عالم و بیان شؤون متعدّد او {رهبری دینی، سیاسی، اجتماعی، ولایت تکوینی و تشریعی و خلیفه اللّه بودنش و ...} رجوع کنید به: فصلنامه انتظار: ج ۱۱ ص ۱۱۸ و اصول کافی: ج ۱ ص ۵۲۷ و عیون اخبار الرضا: ج ۱ ص ۶۵ و فرهنگ نامه مهدویت: ص ۲۷ و ۵۰.

لیکن از نظر کیفی، والاترین و برترین قدر و منزلت را در پیشگاه پروردگار دارند.»

و در وصف و ویژگی امامان و پیشوایان معصوم علیهم السلام می فرماید:

الف) اینان، حافظان بیّنات و آثار الهی هستند (با بیان دین خدا و اجرای دستورات او و نشر احکام و دفع بدعت ها و تحریف ها و ...).

ب) معارف و حقایق خداوندی را به افرادی همانند خودشان (از نظر علم و فضیلت و عصمت) می سپارند.

ج) به حقیقت بینایی رسیده و روح یقین را درک کرده اند (به مقام عصمت رسیده اند و علم آنان لدنی و حضوری و خدادادی است نه مدرسه ای).

د) در برابر سختی ها و سنگلاخ های زندگی صابر و با استقامتند، دلبستگی و وابستگی به دنیای مادی نداشته، پیوسته جویای خوشنودی خدایند.

ه) به آنچه نادانان از آن می ترسند، انس دارند و خو گرفته اند (با تنهایی، ساده زیستی، زهد و قناعت، به خاطر لذّت یقین و شیرینی عرفان خدایی).

و) پیکر و بدن هایشان در دنیاست ولی روح و جانشان به بلندای عالم نور مرتبط و تعلق دارد و چون وصول به حق یافته و دلباخته خدایند همه چیز در دیدشان ناچیز و کوچک می نماید و هم صحبت با ملائک و ملأ اعلی هستند. به راستی چون این اوصاف و لیاقت ها را دارند،

و به فرموده آن حضرت در خطبه متقین:

«عَظُمَ الْخالِقُ فِی أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ ما دُونَهُ فِی أَعْیُنِهِمْ(۱)؛ آفریدگار

ص:۵۴

۱- ۷۷. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۳.

در روح و جانشان بزرگ جلوه کرده، لذا غیر او در نظرشان کوچک است.»

اینانند خلیفه و جانشینان خدا در روی زمین، پس دعوت نمودن به دین خدا و راه حقّ و سعادت را شایسته اند.

آه، آه، چه بسیار مشتاق و آرزومند دیدارشان هستم، آری اشتیاق امام علی علیه السلام بیانگر رابطه روحی و سنخیت با آنان می باشد که «الجنس مع الجنس یمیلوا»، نوریان مر نوریان را طالبند.

بدیهی است این شایستگی ها جز در امامان معصوم و منصوب خدا (که در کلام پیامبرصلی الله علیه وآله و ... آمده) که آخرین آنان حضرت مهدی علیه السلام است وجود نداشته و کلام امام علی علیه السلام ناظر به این حقیقت است؛ خصوصاً با تعبیر «خلیفه اللّه» که به انبیا و ائمه علیهم السلام اطلاق می شود و اظهار شدّت اشتیاق دیدار آنان.

در پایان با نهایت ادب و احترام و اختیار (نه امر و الزام) نسبت به مصاحب خود می فرماید: «ای کمیل! هرگاه خواستی باز گرد.»

به قول شارحین نهج البلاغه، این حکمت، یکی از فصیح ترین بیاناتی است که از امیرالمؤمنین و امیر کلام علیه السلام نقل شده است.

ص:۵۵

گفتار پنجم:ویژگی عصر ظهور و ...

«وَأَخَذُوا يَمِيناً وَشِمالاً طَعْناً فِى مَسالِكِ الْغَيِّ وَتَرْكاً لِمَذاهِبِ الرُّشْدِ، فَلا تَسْتَعْجِلُوا ما هُوَ كآئِنٌ مُرْصَدٌ، وَلا تَسْتَبْطِؤُوا ما يَجى ءُ بِهِ الْغَدُ، فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ بِما إِنْ أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنَّهُ لَمْ يُدْرِكْهُ، وَما أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَباشِيرِ غَدٍ يا قَوْمِ هذَا إِبّانُ (إِيّانُ) وُرُودِ كُلِّ مَوْعُودٍ وَدُنُوِّ مِنْ طَلْعَهِ ما لا تَعْرِفُونَ.»(۱)

ترجمه: «(دنیا طلبان) راه های چپ و راست را برگزیدند و رفتند، و مسلک های گمراهی پیمودند و راه مستقیم هدایت و رستگاری را رها کردند. پس نسبت به آنچه باید باشد و پیش آید، شتاب مکنید و آنچه در آینده باید بیاید دیر مشمارید، چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب کند، امّا وقتی آن را دریابد، آرزو کند، کاش به آن نمی رسید و آن را نمی دید. و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که آثار آن آشکار گشته است. ای مردمان! اینک ما در آستانه

۱- ۷۸. نهج البلاغه: خطبه ۱۵۰.

تحقق وعده های داده شده و نزدیکی ظهور چیزهایی که بر شما پوشیده و ناآگاهید، قرار داریم.»

واژه ها: طعن: رفتن

تباشیر: اوایل صبح و هر چیز مژده

ابّان: وقت و زمان هر چیز

رصد: چشم داشت، مراقب

استبطاء: کندی و درنگ کردن

توضیح و تفسیر:

گویا بیان امام علی علیه السلام ناظر به آینده بشریت و حوادث جامعه قبل از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام می باشد و این که انسان ها، راهی دو مسیر انحرافی و باطل راست وچپ می شوند و به جای پیمودن راه روشن دین حق، راه های افراط و تفریط را به خاطر تمایلات نفسانی و مادی می روند. در حالی که به فرموده آن حضرت:

«اَلْیَمِینُ وَالشِّمالُ مَضِلَّهٌ، وَطَرِیقُ الْوُسْطی هِیَ الْجآدَّهُ(۱)؛ رفتن به سوی راست و چپ گمراهی است و راه میانه و اعتدال، جادّه مستقیم و نجات بخش می باشد.»

و راه زندگی و حیات طیّبه که پیامبران، ملّت ها را به آن دعوت کرده اند همان طریق توحید و عدالت و کوتاه ترین فاصله برای رسیدن انسان به کمال

۱- ۷۹. نهج البلاغه: خطبه ۱۶. و نیز در خطبه های ۲۱۳ و ۲۲۲ و ... گرایش به چپ و راست را مذمّت کرده است.

و سعادت لایق به حال خود است، لیکن شیطان نفس و مسلک ها و مرام های انحرافی و تئوری های باطل (ساخته اندیشه های ناقص بشری و متأثّر از سلطه گری ها) ملّت ها را به سوی شرق و یا غرب کشاندند و از حقایق و هدایت بازداشتند؛ چه در مسائل فردی و خانوادگی و چه در مدیریت های کلان و جهانی. همان گونه که شاهدیم هیچ یک بشریت را به صلح و سعادت و عدالت و نقطه نور و رهایی از بدبختی ها نرساندند.

بدیهی است که راه مستقیم و حقّ یکی است (کوتاه ترین فاصله بین دو نقطه، بودن تا شدن و رسیدن به وضعیت مطلوب که راه حق و کمال انسان می باشد).

جنگ هفتاد و دو ملّت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

و در قرآن مجید هم می خوانیم: «وَکَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً...»(۱) یعنی مکتب اسلام در تمام زمینه های زندگی فردی و جمعی، در اندیشه و عمل، راه میانه و اعتدال را توصیه و به آن هدایت می کند (نه دنیاگرایی و دلباختگی و هدف قرار دادن زندگی محدود و مادی و زودگذر دنیا، و نه غافل و تارک دنیا، بلکه دنیا را مزرعه آخرت و ابزار رسیدن به جهان ابدی و زندگی جاوید و نامتناهی می داند).

و آن گاه حضرت از شتاب و عجله در تحقّق حوادث و فتنه های آینده (که ظاهراً پیامبرصلی الله علیه وآله خبر داده بود و اصحاب از امام علی علیه السلام زمان وقوع آن ها را

۱- ۸۰. سوره بقره / آیه ۱۴۳.

می پرسیدند) نهی نموده، می فرماید: آن ها رخ خواهد داد و شما به آنچه خواهد شد حریص مباشید؛ زیرا بسیاری از حوادث که انسان وقوعش را می خواهد، وقتی پیش آید، آدمی به گونه ای ناراحت می شود که آرزو می کند کاش نبود و آن ها را نمی دید، چون از زیان های پنهان آن حوادث، غافل و بی خبر بوده، همان گونه که قرآن می فرماید:

«وَعَسى أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»(۱)؛ و چه بسا چیزی را شما دوست داشته باشید در حالی که برای شما شرّ و ناپسند است، و خداوند می داند و شما ناآگاهید و نمی دانید.

و در جای دیگر می فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ»(۲)؛ ای مؤمنان! هرگز از چیزهایی مپرسید که اگر فاش گردد، شما را بد می آید و ناراحت می شوید.»

در حقیقت علی علیه السلام با عنایت به آیات قرآن می آموزد که امور را به خدا واگذارید و خیر را از او بخواهید و در مسائل اجتماعی مطیع رهبر الهی خود باشید، آنچه لازم باشد به موقع بیان می کند (چرا که علم و آگاهی انسان ها محدود می باشد؛ به علاوه دانستن برخی مسائل، تکلیف و مشکلات افراد را بیشتر می کند. مضافاً آنچه مهم است ایمان به سخنان پیامبرصلی الله علیه وآله و قطعی بودن وقوع پیش بینی های اوست؛ زیرا درك و كلام او ریشه در وحی الهی دارد

۱- ۸۱. سوره بقره / آیه ۲۱۶.

۲- ۸۲. سوره مائده / آیه ۱۰۱.

و معصوم و مصون از خطاست(۱) و برای مؤمن توجّه به تکلیفش در هر زمان و موضع گیری صحیح او و استقامت در برابر حوادث و آزمون ها لازم می باشد، همان طور که علائم فردا از امروز دیده می شود و رسیدن آن وقایع و نشانه آن ها از کردار همین زمان مردم آشکار است).

ای مردم! اینک زمان آمدن هر موعود و آستانه تحقّق وعده هایی است که داده شده و زمان فتنه هایی می باشد که از آن ها آگاهی ندارید و نمی شناسید، آن زمان فرا رسیده است.

ابن ابی الحدید معتزلی می نویسد:

«مقصود حضرت، حوادث هولناک پایان عمر دنیا و قبل از قیامت می باشد که پیامبرصلی الله علیه وآله خبر داده بود، ولی جمعی از شارحین نهج البلاغه این کلام امام علی علیه السلام را متناسب با حوادث آینده نه چندان دور دانسته و یا از کلمات متشابه می دانند که همراه با ابهام بوده و در کتاب نهج البلاغه این گونه موارد مکرر آمده است.»(۲)

به نظر می رسد محدود نمودن کلام آن حضرت به زمان و حادثه خاص، بدون قرینه و دلیل صحیح نیست بلکه اطلاق آن شامل کلیه ملاحم و حوادث تا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام می شود.

* * *

ص:۶۰

۱- ۸۳. سوره نجم / آیه ۳.

۲- ۸۴. منهاج البراعه: ج ۹ ص ۱۳۵.

بیشترین بحث و بهره، مربوط به ادامه خطبه است که می فرماید:

«أَلا! وَإِنَّ مَنْ أَدْرَکَها مِنّا یَسْرِی فِیها بِسِراجٍ مُنِیرٍ، وَیَحْذُو فِیها عَلی مِثالِ الصّالِحِینَ، لِیَحُلَّ فِیها رِبْقاً، وَیُعْتِقَ فِیها رِقّاً، وَیَصْدَعَ شَعْباً، وَیَشْعَبَ صَدْعاً. فِی سُتْرَهٍ عَنِ النّاسِ لا یُبْصِرُ الْقائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تابَعَ نَظَرَهُ، ثُمَّ لَیُشْحَذَنَّ فِیها قَوْمٌ شَحْذَ الْقَیْنِ النَّصْلَ، تُجْلی بِالتَّنْزِیلِ أَبْصارُهُمْ، وَیُرْمی بِالتَّفْسِیرِ فِی مَسامِعِهِمْ، وَیُغْبَقُونَ کَأْسَ الْحِکْمَهِ بَعْدَ الصَّبُوحِ.»(۱)

ترجمه: «آگاه باشید آن که از ما (حضرت مهدی علیه السلام) فتنه های آینده را دریابد، با چراغی روشن و روشنگر سیر می کند و بر روش و سیره صالحان و نیکان رفتار می نماید تا در آن گرفتاری ها بندی بگشاید و بردگان و ملّت های اسیر را آزاد سازد و جمعیت ها (و دولت های گمراه و ستمگر را) از هم متلاشی و پراکنده سازد و حق جویان متفرق را گرد آورد. او (سال های طولانی) در پنهان و غیبت از مردم به سر می برد؛ به گونه ای که اثرشناسان، اثر قدمش را نیابند، گرچه در یافتن آن فراوان تلاش کنند. پس گروهی در آن فتنه ها چونان شمشیرها صیقل می خورند (آماده درهم کوبیدن فتنه ها می گردند) دیدگان آن ها با نور قرآن جلا داده و تفسیر

ص:۶۱

۱- ۸۵. نهج البلاغه: خطبه ۱۵۰.

قرآن در گوش هایشان طنین افکند و جام های حکمت در صبح گاهان و شام گاهان نوشانده شوند.»

واژه ها: ربق: کمند

حلّ ربقته: رنج و سختی او را گشود و دور کرد

صدع: متفرق، پریشان، شکافتن

عبوق: شرب شبانگاه

شعب: به هم پیوست و جمع کرد

قائف: پِی شناس

فین: آهنگر و آهنگری

نصل: تیغ بی تیغه

شحذ: تیز، سخت راندن، خشم گرفتن

توضیح و تفسیر:

حضرت علی علیه السلام بعد از ترسیم جامعه جهانی در آستانه ظهور منجی موعود، مهدی آل محمّدعلیهم السلام به بخشی از ویژ گی ها و اهداف محوری قیام ایشان پرداخته و آن گاه صفات و خصوصیات یاران آن رهبر الهی را بیان می فرماید: «أَلا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَها مِنّا»(1) هشدار و آگاهی می دهد تا در تاریکی های عصر غیبت گرفتار فتنه ها و مدعیان فریب گر نشده، با بصیرت و دانایی، راه و رهبر حق را بشناسیم و تبعیت کنیم و از سربازان او باشیم، ان شاءاللّه.

ص:۶۲

۱- ۸۶. منهاج البراعه: ج ۹ ص ۱۳۷؛ شرح ابن ابی الحدید: ج ۹ ص ۱۲۸؛ ترجمه و تفسیر علّامه جعفری: ج ۲۴ ص ۳۲۵.

نخست این که: آن موعود امم از عترت پیامبرصلی الله علیه وآله و علوی و فاطمی است (که روایات فریقین شیعه و سنی به روشنی و صراحت بر این حقیقت دلالت دارد).

دوم این که: در جامعه حضور دارد و از حوادث و مسائل و آنچه می گذرد، آگاه است.

سوم این که: با چراغ نورانی(۱) ولایت و امامت و نور علم الهی و منطق، عالمیان را به نور و نجات می رساند، و همچون نور، خود گواه حقانیت خویش (آفتاب آمد دلیل آفتاب) و زداینده تاریکی ها و حیات آفرین و امیدبخش بوده، چشم ها و دل ها را به خود جلب می کند (البته کوران و خفاشان توان دیدن آن نور را ندارند).

چهارم این که: سیره عملی و رفتار او در همه زمینه ها بر روش صالحین (پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، عالی ترین چهره صالحان) حقّ و عدل (نه مانند حاکمان ستمگر تاریخ) می باشد.

پنجم این که: آن موعود ما سال های طولانی، پنهان از مردم و در غیبت به سر می برد؛ به گونه ای که هیچ کس، حتّی اثرشناسان را توان راه یابی و دیدن او نباشد مگر مؤمنان ممتاز و برخی پاکان که طبق حکمت و مصلحت، آن حضرت را ملاقات کنند.

و آن گاه به بیان اهداف آن پیشوای پاک(۲) می پردازد و می فرماید:

---

۱ – ۸۷. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۸۷ نسبت به خود نیز تعبیر به سراج نموده، می فرماید: «إنّما مثلی بینکم کمثل السراج...».

۲ – ۸۸. در اینجا کلام علی علیه السلام گرچه صراحت اسمی و انحصاری به مهدی موعودعلیه السلام ندارد {و برخی شامل ائمّه یا سالکان و عالمان راه حق دانسته اند} لیکن با توجّه به سیاق و بیان اوصاف (سراج منیر، پنهان و استتار و ...) آن منجی و اهداف و انصارش، به وضوح قابل انطباق بر خاتم الاوصیا حجه بن الحسن – عجّل اللّه فرجه الشریف – می باشد.

الف) او با زدودن جهل و شک و ذلّت، بندهای عقل و علم را می گشاید و باز می کند و انسان ها، خردمند و رشید می شوند.

ب) ملّت های مانده در اسارت و بردگی و استعمار را آزاد می سازد و اسیران هواهای نفسانی و نادانی را رهایی می بخشد.

ج) احزاب و جمعیت های گمراه و ستمگر را پراکنده و متلاشی نموده، مؤلّفه های قدرت های استکباری و توطئه هایشان را درهم می ریزد.

د) حقّ جویان محروم و متفرق را جمع و متحد می سازد (مستضعفین و مؤمنانی که سلطه گران برای توسعه و تداوم حاکمیت ظالمانه خود، آن ها را پراکنده یا تبعید و جدا از هم نموده اند) همان گونه که امروز نیز شاهد آن هستیم. طبیعی است چنین نهضت عظیم رهایی بخش را سربازان و پاک بازانی لازم است که امام علی علیه السلام به اوصاف آنان اشاره می فرماید: «فیها قومٌ...».

۱ - گروهی برای درهم شکستن فتنه ها و تحقّق اهداف الهی و رهابخش آماده می شوند، آنان سالکانی هدایت یافته اند که درمیان بحران ها و آزمون های سخت آبدیده شده؛ همانند شمشیرهای صیقل داده و برّاق و برّان، مهیّای پیروی از پیشوا در پیشبرد دستورات اویند و با ذهن تیز، اخذ علم و حکمت نموده؛ همچون سلاح صیقل داده با گمراهان ستیز و پیشرفت می کنند.

۲ - علم و ایمانشان از انس و ارتباط با قرآن نشأت یافته و دیدگان آنان با نور قرآن روشنایی و جلا پیدا کرده است.

۳ – چون در آیات قرآن تدبّر نموده و تفسیر را از اهل بیت وحی و آشنایان به تنزیل و تأویل و معارف ظاهر و باطن قرآن می گیرند، هرگونه شبهه و شک از دل و روحشان برطرف شده، حق تفسیر در گوش جانشان طنین افکنده و با یقین، حقایق را بیان و شبهات را دفع می کنند.

۴ – در نتیجه ظرف ذهن آنان قابلیت و توان درک معارف الهی یافته، هر صبح و شام اسرار و الطاف حقّ بر آنان ریزان است و آنان با تمام وجود، لذت کمال و معارفی که به سود دنیا و آخرت شان می باشد می چشند و درک می کنند.

نکته ها:

الف) در این آینده نگری،(۱) امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام برخلاف دیدگاه برخی از نظریه پردازان غربی (که آینده بشریت را تاریکی و نابودی می دانند) آینده را روشن و مثبت اعلام نموده، با رهبری مقدّس و محبوب و یارانی صالح و توانا و اهدافی آزادی بخش و وحدت آفرین و ... .

ب) توجّه دادن به این حقیقت که در میان امواج فتنه ها با هوشیاری و استقامت و درک مفاهیم و معارف قرآن و ارتباط با مفسرین راستین (اهل بیت پیامبرعلیهم السلام) به ساحل سعادت می توان رسید.

ص:۶۵

---

۱ – ۸۹. فوتوریسم {Futurism} که اخیراً دانشمندان جهان به ویژه غربی ها می کوشند به فردا راه یابند و نویسندگانی مانند: «فوکویاما» با تئوری «آخرالزمان» مشهور شد یا «ساموئل هانینگتون» با نظریه «جنگ تمدن ها» و... .

گفتار ششم:برکات بعد از قیام

«... فَلَبِثْتُمْ بَعْـدَهُ مـا شـآءَ اللّهُ حَتّی یُطْلِعَ اللّهُ لَکُمْ مَنْ یَجْمَعُکُمْ وَیَضُمُّ نَشْـرَکُمْ. فَلا تَطْمَعُوا فِی غَیْرِ مُقْبِلٍ، وَلا تَیأَسُوا مِنْ مُـدْبِرٍ، فَإِنَّ الْمُـدْبِرَ عَسـی أَنْ تَزِلَّ بِهِ إِحْـدی قآئِمَتَیْهِ، وَتَثْبُتَ الْأُخْری فَتَرْجِعا حَتّی تَثْبُتا جَمِیعاً. أَلا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍعلیهم السـلام کَمَثَلِ نُجُومِ السَّمآءِ؛ إِذا خَوی نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَکَأَنَّکُمْ قَدْ تَکامَلَتْ مِنَ اللّهِ فِیکُمُ الصَّنآئِعُ، وَأَراکُمْ ما کُنْتُمْ تَأْمُلُونَ.»(۱)

ترجمه: «پس از او (دلیل رایت حق) مـدتی که خـدا خواهـد زنـدگی و درنگ خواهیـد داشت تا آن که خداونـد آشـکار کند شخصـی که شـما را گرد آورد و متحد سازد و از پراکندگی برهاند. پس ای مردم! در آن که به دنیا و خلافت اقبال نکند طمع نداشـته باشـید و از کسـی که ادبار نموده ناامیـد نگردیـد؛ زیرا آن که پشت کرده شایـد یکی از دو پایش بلغزد و پای دیگرش برجای ماند و روزی هر دو قائمه و پایه اش برگردد

۱- ۹۰. نهج البلاغه: خطبه ۱۰۰.

و ثابت و استوار شود. آگاه باشید! مَثَل اهل بیت پیامبرعلیهم السلام همانند ستارگان آسمان است، هرگاه ستاره ای غروب کند، ستاره ای دیگر طلوع خواهدکرد (امامت تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد یافت و همان طور که آسمان بدون ستاره نمی ماند، زمین نیز خالی از حجّت نخواهد ماند). گویا می بینم نعمت های خداوند بر شما کامل و تمام شده و به آنچه آرزو داشته اید، رسیده و به شما ارائه شده است.»

واژه ها: خوی میل به غروب

صنائع (جمع صنیعه): نعمت ها و احسان ها

توضیح و تفسیر:

در این خطبه که آن را در سومین جمعه از خلافت ظاهری خود در سال ۳۵ هجری ایراد فرمود، ضمن اخبار غیبی از ارتحال و شهادت خود، به ظهور امام زمان - عجّل اللّه فرجه الشریف - و حاکمیت دین حق و تحقّق امید و آرزوی منتظران نوید می دهد.(۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با حمد خدا و ستایش او در تمام امور و احوال و استعانت از خداوند برای بندگی او آغاز نموده و آن گاه به ذکر توحید و رسالت پیامبرصلی الله علیه وآله و ویژگی های او می پردازد و این که پیامبر برای هدایت امّت و جامعه بعد از خود پرچم حق را (کتاب و سنّت، قرآن و عترت؛

ص:۶۷

۱- ۹۱. منهاج البراعه: ج ۷ ص ۱۶۰؛ شرح ابن ابی الحدید: ج ۷ ص ۹۴ و غالب شروح نهج البلاغه.

همـان طور که پرچم عامـل هـدایت است، آن دو نیز راهنمای امّت انـد) جایگزین کرده و هرکس ملازم این پرچم و عَلم دین باشد، رسـتگار گردد. و دلیل و راهنمای عَلم حق (علمدار دین، علی علیه السـلام باشد) با اندیشه و آرامش سـخن می گفت و سنگین و با تدبیر به پا می خاست و هنگام قیام، سـخت و چالاک بود و آن گاه که شما اطاعت او کردید (و به خلافت ظاهری و حقّ خود رسـید) طولی نکشید، اجل و مرگش فرا رسید و خدا او را از این جهان برد و شما مدتی که خدا بخواهد، زندگانی می کنیـد (عـدم تعیین مـدت درنـگ و انتظـار امّت بیـانگر طولاـنی بودن زمـان بعـد از سـلطنت بنی امیه و بنی عبـاس و غیره و مشاهده بدبختی ها و پراکندگی های گوناگون می باشد) پس خداوند شخص و رهبری را برمی انگیزد تا به این پراکندگی ها و ظلم ها خاتمه داده، شـما را متحـد کنـد. این منجی مقدّس با تدبیر و توانا، آیا غیر از امام مهدی موعودعلیه السـلام می باشد؛ چون باید علم و قدرت داشـته باشد تا تفرقه های ملّت ها و پراکندگی مسـلمانان را برطرف کند و شریعت واحد و امّت واحده را ایجـاد نمایـد و همه امور را نظم و سامان دهـد و عـدل و آرامش را به گیتی بازگردانـد و چنین موقعیتی برای امامان معصوم بعد از علی علیه السـلام نبوده است. بنابراین شـما برای انتظام امورتان به امام حاضر که به دنیا و خلافت اقبال ننموده، با آن که اهلیّت دارد و شـرایط قیام او آماده نشده، طمع و تحمیل نداشـته باشـید؛ چون براساس مصـلحت و حفظ اسلام و امّت عمل می کند و مأیوس از او نباشید؛ زیرا ممکن است شرایط مساعد شود و عوامل و پایه های قیام و خلافت تکمیل گردد و او عهده دار امر حکومت شود.

امام علیه السلام در خاتمه به یک اصل امیدآفرین اشاره و جایگاه رفیع اهل بیت پیامبر و امامان معصوم شیعه علیهم السلام را مشخص نموده، می فرماید:

«آگاه و بیدار باشید که اهل بیت علیهم السلام مانند ستارگان آسمان بوده، پیوسته نور می دهند، تاریکی ها را زدوده، زیبایی آفرین و هدایت گر هستند، زمین مانند آسمان هیچ گاه بدون ستاره امامت و خالی از حجّت و انسان کامل و معصوم نخواهد بود و هرگاه ستاره و امامی در آستانه افول و غروب قرار گیرد ستاره ای دیگر (امام و خلیفهاللّه) ظاهر و رسالت او را عهده دار می شود تا ارزش های الهی حفظ و امت هدایت شده و خود الگوی درخشان باشند».

تعبیر ستاره در بیانات متعدد به ائمّه معصومین علیهم السلام اطلاق شده است، در روایاتی ذیل آیه «وَبِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ»(۱) مراد ازنجم (ستاره) ائمّه علیهم السلام هستند(۲) و نیز در دعای ندبه می خوانیم: «أین الأنجم الظّاهره...» تا آخرین مهر امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام طلوع کند(۳) که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بشارت داده، می فرماید: «قد تکاملت من اللَّه فیکم الصنائع» خداوند نعمت هایش را بر همگان کامل و تمام گرداند و بشریت مشتاق را به آرزوهایشان برساند که این همه نبوده و نخواهد بود مگر در پرتو پرفروغ حکومت واحد جهانی امام زمان علیه السلام.

۱- ۹۲. سوره نحل / آیه ۱۶.

۲- ۹۳. تفسیر نورالثقلین / ج ۱، ص ۷۵۰ و ج ۳، ص ۴۵.

۳- ۹۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۷ ص ۹۴؛ منهاج البراعه: ج ۷ ص ۱۶۰.

اینک به بخشی از برکات و نعمت های بلندی که در عصر منجی موعودعلیه السلام ریزان خواهد شد، اشاره می کنیم: از امام سجادعلیه السلام نقل شده است:

«إذا قام القآئم أذهب اللَّه عن کلّ مؤمنٍ العاهه وردّ إلیه قوّته(۱)؛ آن گاه که امام مهدی علیه السلام قیام کند، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور سازد و قوت و تندرستی را به آنان بازگرداند.»

و هم چنین کینه ها از دل مردم بیرون رود و شرّ و بدی از جهان رخت بربسته و تنها خیر و خوبی باقی ماند.(۲)

«تعمّر الأرض وتصفو وتزهو بمهدیها وتجری به الأنهار(۳)؛ زمین به وسیله حضرت مهدی علیه السلام آباد و خرم و سرسبز گردد و چشمه ها جاری شود.»

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام در روی زمین ویرانه ای نماند مگر آن که آباد گردد.»

«امام زمان علیه السلام بین مردم مساوات برقرار می کند و عطایای او فراوان شود به گونه ای که نیازمند و فقیری پیدا نمی شود...(۴) و زمین گنج ها و برکات خود را نمایان می کند.»(۵)

ص:۷۰

۱- ۹۵. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۴.

۲- ۹۶. بشاره الاسلام: ص ۲۴۹؛ روزگار رهایی: ص ۶۴۰.

۳- ۹۷. ینابیع المودّه: ج ۳ ص ۱۳۶.

۴- ۹۸. کمال الدین: ج ۱ ص ۳۳۱؛ نور الثقلین: ج ۲ ص ۲۱۲.

۵- ۹۹. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۹۰؛ عقد الدرر: ص ۶۷؛ امالی طوسی: باب ۱۸ ص ۵۱۳.

در رابطه با رشد علم و دانش، آن حضرت می فرماید:

«علم ۲۷ حرف است و آنچه تاکنون مردم با آن آشنایی دارند دو حرف بوده و وقتی قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورده، بین مردم نشر دهد...»(۱)

«و در زمان ظهور او، مؤمن در شرق زمین برادرش را که در غرب زمین است، می بیند و به عکس...»(۲)

«هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را به سر بندگان خدا می نهد و خردهایشان را جمع و اخلاقشان را کامل گرداند.»(۳)

امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها...»(۴)؛ بدانید و آگاه باشید که خداوند زمین را پس از مرده بودن زنده می کند...» می فرماید:

«خداوند زمین را با حضرت قائم علیه السلام زنده می کند، آن حضرت به عدالت رفتار می نماید و زمین را با بسط عدالت زنده می کند پس از آن که در اثر گسترش ظلم مرده باشد.»(۵)

و در تفسیر آیه «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلوهَ»(۶)؛ آنان که هرگاه در روی زمین به آن ها اقتدار و قدرت بخشیدیم نماز را بپا دارند...» می فرماید:

۱- ۱۰۰. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۲۶.

۲- ۱۰۱. همان: ج ۵۲ ص ۳۹۱.

۳- ۱۰۲. اصول کافی: ج ۱ ص ۲۵.

۴- ۱۰۳. سوره حدید / آیه ۱۷.

۵- ۱۰۴. نور الثقلین: ج ۵ ص ۲۴۲؛ بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۵۴.

۶- ۱۰۵. سوره حج / آیه ۴۱.

«این آیه در شأن حضرت مهدی علیه السلام و یارانش نازل شده و خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره حکومتشان قرار می دهد و به وسیله آنان دین خود را آشکار و حاکم گرداند، به گونه ای که از ستم و بدعت و باطل اثری دیده نمی شود.»(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«یصنع کما صنع رسول اللّه یهدم ما کان قبله کما هدم رسول اللّه أمر الجاهلیّه ویستأنف الإسلام جدیداً(۲)؛ او همچون پیامبرصلی الله علیه وآله عمل می کند همچنان که پیامبرصلی الله علیه وآله آنچه قبل از جاهلیت بود، از بین برد و اسلام را بنا نهاد، امام زمان علیه السلام هم جاهلیت جدید جهان و بدعت ها را نابود و اسلام را از نو پیاده می کند.»

و در بیانی دیگر می فرماید:

«المهدیّ إذا خرج یفرّج به جمیع المسلمین خآصّیتهم وعآمّتهم(۳)؛ حضرت مهدی علیه السلام که قیام کند، همه مسلمانان از خواص و عوام شادمان شوند.»

و در کلامی دیگر آن حضرت می فرماید:

«اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان هوا و ماهیان دریا خوشحال شوند.»(۴)

۱- ۱۰۶. نور الثقلین: ج ۳ ص ۵۰۶؛ احقاق الحق: ج ۱۳ ص ۳۴۱.

۲- ۱۰۷. غیبت نعمانی: باب ۱۳ ص ۲۳۴؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۳.

۳- ۱۰۸. الامام المهدی: ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی: ص ۵۲۶.

۴- ۱۰۹. همان.

در رابطه با امنیت و برکت، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«هرگاه قائم ما قیام کند، آسمان باران های خود را می بارد، درندگان با حیوانات از در آشتی درآمده و نیز به انسان ها کاری ندارند تا آنجا که زنی از عراق به شام می رود بدون آن که از درنده ای نگران و یا ترسی داشته باشد.»(۱)

آری، آن گاه که خورشید ولایت و رهبری الهی حضرت مهدی علیه السلام با کارگزارانی صالح و پاک طلوع کند، ریزش برکات زمین و آسمان جلوه گر می شود، ایمان و علم و اخلاق و عقلانیت انسان رشد لازم می یابد و با گسترش فرهنگ دینی و ارزش های معنوی، عدالت، امنیت، نشاط، آسایش، عمران، اقتصاد و ... فراگیر می گردد و با بروز و کامل شدن نعمت های خداوندی است که آرزوی انسان ها برآورده شده، زیبایی و لذت زیستن نمایان خواهد شد، إن شاء اللّٰه.

در واقع اجرای دستورات الهی و عبودیت آدمی در سراسر جهان آرزوی همه صالحان بوده و انبیا جزء منتظران حکومت خلیفه اللّٰه و انسان کامل بوده و امامان ما زمینه سازان آن به شمار می آیند.

۱- ۱۱۰. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶؛ غیبت طوسی: ص ۲۷۴.

گفتار هفتم:فتنه های هنگام ظهور و...

«أَمّا بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَالثَّناءِ عَلَيْهِ، أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنِّي فَقَأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَهِ... وَذلِكَ إِذا قَلَّصَتْ حَرْبُكُمْ وَشَمَّرَتْ عَنْ ساقٍ، وَضاقَتِ (كانَتْ) الدُّنْيا عَلَيْكُمْ ضِيقاً، تَسْتَطِيلُونَ مَعَهُ أَيّامَ الْبَلآءِ عَلَيْكُمْ، حتّى يَفْتَحَ اللَّهُ لِبَقِيَّهِ الأَبْرارِ مِنْكُمْ. إِنَّ الْفِتَنَ إِذا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ، وَإِذا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ»(۱)

ترجمه: «امّا پس از حمد و ثنای خداوند متعال، ای مردم! من چشم فتنه و توطئه را شکافتم و برکندم... و این حوادث زمانی رخ می نماید که جنگ در میان شما طولانی گشته و سخت گردد و دنیا چنان بر شما تنگ شود که ایام بلا را دراز پندارید تا آن که خداوند پرچم فتح را برای باقیمانده نیکان تان به اهتزاز درآورد (زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام). به راستی آن گاه که فتنه ها روی آورند، شبهه افکنند و باطل از حق دانسته نمی شود و هنگامی که می گذرند حقیقت آشکار و شناخته شود...».

ص:۷۴

۱- ۱۱۱. نهج البلاغه: خطبه ۹۲.

واژه ها: فقأت: شکافتن و کندن، کور کردن

حرب: جنگ

قلّص: زیادی و کثرت، جمع آمدن با هم، دامن به کمر زدن

شمّر: کوشید و سرعت گرفت

شمرت عن ساق: کنایه از ظاهر شدن شدّت و سختی

شبهت: مشتبه شدن حقّ و باطل

توضیح و تفسیر:

این یکی از خطبه های مشهور حضرت علی علیه السلام می باشد که بعد از پایان جنگ نهروان ایراد فرمود، ایشان بعد از حمد و ستایش پروردگار و درود بر پیامبرصلی الله علیه وآله به فضایل بلند و موقعیت عظیم علمی و سیاسی و شجاعت خود اشاره نموده (که این نه خودستایی است بلکه اظهار نعمت الهی و معرفی خویش برای بهره مندی دیگران از آن اقیانوس علم و فضیلت و اتمام حجّت بر معاندان و بی خبران و ...است) و اعلام می فرماید: سؤال کنید از هر مسأله و مطلب مشکلی قبل از آن که مرا نیابید چرا که از آنچه تا قیامت رخ خواهد داد آگاهم؛ «فاسئلونی قبل أن تفقدونی...».(۱)

و آن گاه از فتنه ها و حوادث تلخ آینده خبر می دهد(۲) و بیش از همه خطر

۱- ۱۱۲. منهاج البراعه: ج ۷ ص ۷۳؛ شارح معتزلی از صاحب کتاب استیعاب {ابوعمر محمد بن عبد البرّ} از قول جمع زیادی از راویان نقل می کنند که گفته اند: «جز علی بن ابی طالب علیهما السلام، هیچ یک از صحابه پیامبرصلی الله علیه وآله این جمله را نگفته است».

۲- ۱۱۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۷ ص ۴۷؛ او متجاوز از سی مورد خبر غیبی و پیشگویی تاریخی از امام علی علیه السلام ذکر کرده و گوید: «تتبّع کردیم همه آن ها تحقّق یافته و کاملاً صحّت داشته».

فتنه کور و تاریک بنی امیه را خاطر نشان نموده، به تبیین ماهیت فتنه و راه برون رفتن از آن ها می پردازد:

«وذلک إذا...» و این امر هنگامی رخ خواهد داد که حوادث به اوج خود برسد، فتنه ها و فساد و جنگ، شدّت یابد و شیاطین همه توان خود را در نبرد با شما (و اسلام راستین) جمع کرده و سازمان دهند و دنیا با تمام وسعتش بر شما تنگ شده و ایّام بلا را طولانی پندارید و (دریچه های نجات را بسته یافته و دولت ها و سازمان های فریب گر به یاری تان نیایند، آری در شرایطی که از همه مأیوس شدید و دل به خدا بستید و صادقانه او را خواندید) خداوند فتح و پیروزی را بر باقیمانده نیکان شما پدید آورد.

برخی احتمال داده اند مقصود از «حتّی یفتح اللّٰه لبقیّه الأبرار منکم» انقراض دولت بنی امیّه و روی کار آمدن حکومت بنی عباس برای فرزندان نیکوکاری که در آینده می آیند باشد، لیکن با توجّه به نظر جمعی از شارحین نهج البلاغه و دقت در متن خطبه می توان گفت: اظهر و روشن تر تفسیر به دولت حق و عدل حضرت مهدی علیه السلام می باشد(۱) که فتح واقعی و فراگیر و ماندگار،همان پیروزی جهانی مهدوی خواهد بود و پیروزی های دیگر اگر گاه پیش می آمده، نسبی و موقت و منطقه ای بوده، به علاوه آن حکومت های کوتاه در اختیار خوبان و اهل بیت علیهم السلام نبوده است، مضافاً فتنه بنی امیه را حضرت به دنبال این بیان و تبیین ماهیت فتنه ها به طور خاص مطرح می کند .

بالاتر آن که ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود این خطبه را با اضافاتی

ص:۷۶

۱- ۱۱۴. منهاج البراعه: ج ۷ ص ۷۷؛ نهج البلاغه {دشتی}: خطبه ۹۳.

(که سیّد رضی ذکر نکرده) از حضرت علی علیه السلام نقل نموده است، به گونه ای که کاملاً بر حکومت حضرت مهدی علیه السلام تطبیق می شود و ما آن را برای تأیید بحث می آوریم:

«فانظروا أهل بیت نبیّکم، فإن لبدوا فالبدوا، وإن استنصروکم فانصروهم، فلیفرّجنّ اللّه الفتنه برجل منّا أهل البیت. بأبی ابن خیره الإماء! لا ـ یعطیهم إلّا السیف... هرجاً هرجاً موضوعاً علی عاتقه ثمانیه أشهر...(۱)؛ پس در شرایط فتنه، اهل بیت پیامبرتان را بنگرید و دنبال آنان حرکت کنید، اگر توقف و اقامت کردند پس شما هم ملازم آنان باشید و اگر از شما کمک خواستند آنان را یاری کنید؛ چرا که خداوند فتنه عظیم را به وسیله بزرگ مردی از ما اهل بیت علیهم السلام برمی دارد و پرچم فتح و پیروزی را به اهتزاز درآورد، هم او که پدرم به فدایش، فرزند بهترین کنیزان (نرجس) است و با شمشیر و سلاح و قدرت نظامی، آشوب ها و فتنه ها را درهم می کوبد و تا هیجده ماه جهاد و جنگ او برای سرکوب همه توطئه ها و فتنه ها ادامه می یابد...»

جالب این که تعبیر «ابن خیره الاماء» کراراً در کتب روایی ما نسبت به حضرت مهدی علیه السلام آمده است.(۲)

ص:۷۷

۱- ۱۱۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۷ ص ۵۸؛ الغارات: ج ۲ ص ۶۷۸؛ معجم أحادیث المهدیّ علیه السلام: ج ۵ ص ۳۰۵.

۲- ۱۱۶. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۲۱ و ج ۴۱ ص ۳۵۴ و ج ۳۳ ص ۳۶۵ و ... .

ابن ابی الحدید توضیح می دهد: ابن خیره الإماء، همان موعود و منجی آخرالزمان و امام دوازدهم شیعیان بوده که زمین را از ظلم و جور پاک می کند و سرشار از عدل و قسط می نماید و از دشمنان اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله انتقام می گیرد و سفیانی (از نوادگان ابوسفیان بن حرب بن امیه) را که بر بخش وسیعی از سرزمین های اسلامی سلطه پیدا کرده، همراه با پیروانش از بنی امیه به قتل می رساند و با قدرت، کفار قریش و بنی امیه و ... را درهم می شکند. البته احتمال دارد در زمان قیام آن حضرت، ستمگران بنی امیه که مرده اند دوباره به دنیا بازگردند(۱) (عقیده به رجعت در شیعه و اسلام)(۲) و از آنان انتقام جنایاتی که انجام داده اند می گیرد،(که یکی از آن ها واقعه جانکاه و جاوید کربلا و عاشورای حسینی علیه السلام است که با تمام قساوت، پاکان و بی گناهان را به دستور یزید بن معاویه به شهادت رساندند و سر از بدنشان جدا کردند و زنان و بازماندگان را به اسارت بردند).

و در منابع روایی شیعه نیز احادیث فراوانی(۳) نقل شده است که از ستمگران انتقام خواهد گرفت و حتی یکی از لقب های حضرت مهدی علیه السلام منتقم می باشد و حضرتش می فرماید:

«أنا بقیّه اللّه فی أرضه والمنتقم من أعدآئه(۴)؛ من ذخیره خدا در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم.»

۱– ۱۱۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۷ ص ۵۹.

۲– ۱۱۸. رساله العقاید الجعفریه: ۲۵۰؛ مجمع البحرین: ج ۲ ص ۶۷۹؛ فرهنگ نامه مهدویت: ۱۹۴؛ حقّ الیقین: ص ۳۵۱.

۳– ۱۱۹. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۴ و ج ۴۵ ص ۲۹۹؛ غیبت نعمانی: ص ۲۳۱.

۴– ۱۲۰. کمال الدین: ج ۲ ص ۳۸۴؛ نجم الثاقب: ص ۱۰۶.

از امام صادق علیه السلام روایت است که: «... چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان گریستند و گفتند: پروردگارا! آیا قاتلین برگزیده تو و فرزند پیامبرت را به حال خود وامی گذاری؟ پس خداوند سایه و نور امام قائم – عجّل اللّٰه فرجه الشریف – را بر آنان نمایاند و فرمود:

«بذلک القآئم أنتقم منهم(۱)؛ به وسیله این قائم – عجّل اللّٰه فرجه الشریف – از ظالمین و قاتلین انتقام می گیرم.»

نقل شده است: هروی از حضرت رضاعلیه السلام می پرسد: نظرتان درباره این فرمایش امام صادق علیه السلام که می فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند، بازماندگان از قاتلان امام حسین علیه السلام به کیفر کردار پدرانشان کشته می شوند.» چیست؟

حضرت فرمود: این سخن صحیح است.

گفتم: پس معنای آیه قرآن «وَلا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری (۲) «هیچ گناه کاری بار گناه دیگری را برنمی دارد» چیست؟

فرمود: «آنچه خداوند می فرماید صحیح است ولی بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام به کردار پدران شان خرسند هستند و به آن افتخار می کنند و هرکس از چیزی راضی و خشنود باشد مانند آن است که آن کار را انجام داده باشد، اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او شادمان باشد، نزد خدا شریک گناه قاتل است و حضرت قائم – عجّل اللّٰه فرجه الشریف – فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را هنگام ظهورش نابود می سازد؛ چرا

ص:۷۹

۱– ۱۲۱. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۶۸؛ اصول کافی: ج ۱ ص ۵۳۴.

۲– ۱۲۲. سوره انعام / آیه ۱۶۴.

که به عمل پدران شان راضی هستند (و ظاهراً در برابر نهضت مهدوی مزاحمت ایجاد کرده، می ایستند و در حمایت از کردار پدران خود لجاجت و عناد می ورزند)... .(۱)

حال با توجّه به اهمیت بحث فتنه ها و این که هر قدر زمان ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام نزدیک تر می شود فساد و فتنه ها فراگیرتر و پیچیده تر می گردد، پسندیده به نظر می رسد شرح این بخش از خطبه را با کلام مرحوم علامه جعفری رحمه الله به پایان رسانیم:

به راستی آیا امیرالمؤمنین علیه السلام با این جملات با همه تاریخ بشری صحبت نمی کند؟ آیا این اصل کلی در همه جادّه ها و طرق اصلی و فرعی تاریخ جریان ندارد؟

«إِنَّ الْفِتَنَ إِذا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ، وَإِذا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ، يُنْكَرْنَ مُقْبِلاتٍ، وَيُعْرَفْنَ مُدْبِراتٍ، يَحُمْنَ حَوْمَ الرِّياحِ، يُصِبْنَ بَلَداً وَيُخْطِئْنَ بَلَداً(۲)؛ بدانید هنگامی که فتنه ها روی می آورند مشتبه می باشند (عوامل اشتباه) و وقتی که روی بر می گردانند بیدار می سازند، در هنگام آمدن مورد انکار و ناشناسند و در موقع بر گشت و روی گردان شدن شناخته می شوند. فتنه ها مانند بادها می گردند، (به شهری می رسند) در یک شهر وارد می شوند و می وزند و از شهری بدون اصابت می گذرند.»

۱- ۱۲۳. علل الشرایع: ج ۱ ص ۲۱۹ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۱۳؛ نجم الثاقب: ص ۸۱۹.

۲- ۱۲۴. نهج البلاغه: خطبه ۹۲.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این چند جمله دو اصل بسیار مهم و فراگیر را در تحرکات فتنه ای گوشزد فرموده است که با شناخت آن دو اصل می توان مقداری فراوان از معماهای تاریخ را حلّ و فصل نمود.این دو اصل عبارتند از:

۱) فتنه در هنگام شروع، ناشناخته و عامل اشتباه است.

۲) فتنه در هنگام پایان یافتن و روی گردان شدن، شناخته شده و بیدار کننده است.

اصل اوّل - هر فتنه ای که با دست بشر و با تفکرات او در جامعه بروز می کند، هرگز به عنوان فتنه و علائم و مختصات فتنه که همه مهم باشد بروز نمی کند؛ یعنی این طور نیست که وقتی فتنه ای در یک جامعه سر بر می آورد به قدری علامت ها و مختصات فتنه بودن آن واضح و روشن است که همگان می توانند بفهمند. زیرا به وجود آورندگان فتنه ها آگاه تر و ماهرتر از آنند که کاری انجام بدهند که مردم جامعه از نخستین بروز نمودهای آن، حالت مقاومت از خود نشان داده و آن را برگردان کنند. لذا مهم ترین و اساسی ترین کاری که فتنه گران برای گسترش و تعمیق کار خود انجام می دهند، چند چیز است:

۱) استخدام قیافه هایی که در جامعه به خوبی و پاکیزگی و اخلاص شناخته شده باشند، مانند بعضی از افراد خوارج نهروان که با پیشانی پینه بسته و لب های ذاکر و چشم های فرو رفته از شب بیداری ها و قرآن به بغل! وسیله ای برای بروز فتنه تباه کننده خوارج گشتند. چه خوب گفته آن شاعر زبردست درباره قاتلین امام حسین علیه السلام:

جآؤوا برأسک یابن بنت محمّد

مترمّلاً بدمآئه ترمیلاً

ویکبّرون بأن قتلت وإنّما

قتلوا بک التکبیر والتهلیلا

«ای پسر دختر محمّـد! (ای حسین علیه السلام) سر بریده تورا که با خونش آغشته بود، آوردند و آنان در موقع آوردن سر مبارک تو تکبیر می گفتند که تو کشته شده ای!! و جز این نیست که با قتل تو، تکبیر (اللّه اکبر) و تهلیل (لا إله الا اللّه) را کشتند.»

۲) استخدام بهترین شعارها برای مردم آن جامعه، مثلاًـ اگر فقر مادی در آن جامعه حکم فرماست، شعار «ثروت قارون برای همه»، اگر خفقان و اسارت و زنجیر جبر جامعه ای را در خود فرو برده است، قطعاً شعارش آزادی مطلق است که ادّعای آزادی «جان استوارت میل و اگزیستانسیالیسم، سارتر و یاسپر وهایدگر» در برابرش نه تنها رنگ باخته می باشند، بلکه اصلاً رنگی ندارند. اگر نژادپرستی هدف افراد و گروه های یک جامعه باشد، شعار نژادپرستی مانند «نژاد آلمان فوق همه» را سر خواهند داد! و به هر حال فتنه گران ماهر پیش از آن که مقتضای جوّ جامعه را بشناسند به هیچ کاری اقدام نمی کنند. وقتی که جوّ جامعه را شناختند می فهمند که تقاضای اصلی وتقاضای فرعی جامعه چیست تا عرضه کالای خود را به آن جامعه با تقاضای موجود تنظیم نمایند.

۳) اگر فتنه گران مردم ژرف نگر و مطلّع بوده باشند، تا آنجا که می توانند دم از اصول عالیه انسانی و ارزش های او می زنند و چنان فریاد: واعدلا، واحقّا، وا آزادیا، واپیشرفتا، و به طور کلّی چنان فریاد وا انسانا می زنند که حتی بعضی

از انسان های دانشمند و آگاه و خردمند را هم می توانند به اشتباه بیندازند.(۱)

۴) موقعیت گذشته جامعه و اصول حقوقی و سیاسی و اجتماعی و علمی و هنری و جهان بینی حاکم در آن را چنان بی امان و مطلق می کوبند و چنان در آن کوبیدن قیافه حقّ به جانب از خود نشان می دهند که ساده لوحان را وادار می کنند که حتی درباره بدیهی ترین اصول و قوانین طبیعی و قراردادی دوران گذشته به تر.......بیفتند، مثلاً- شکّ کنند در این که آیا خورشید دوران گذشته هم مانند امروز روی زمین را روشن می ساخت!! آیا ۲*۲ های آن دوران، مانند حالا ۴ نتیجه می داد یا عدد دیگری!! آیا در دوران گذشته، کشاورزان با قراردادی معیّن با کارفرمایان زمین را زراعت می کردند، یا با راهنمایی جانوران جنگلی به این کار می پرداختند!!

۵) ایجاد اراده و حرکت از هر راه و با هر وسیله ای که ممکن است، اگر چه مقصد دارای حتی یک صدم ارزش سپری کردن آن راه و قربانی کردن وسیله را نداشته باشد.

مسلّم است که این امور پنج گانه برای اغلب مردم که از نگرش های عمیق و همه جانبه محرومند، همه امور جامعه را؛ از تفکّرات اصلی گرفته تا تخیّلات و از عالی ترین ارزش ها گرفته تا عادی ترین پدیده ها، مورد سؤال قرار داده، در ابهام فرو می برد.

ص:۸۳

۱- ۱۲۵. ولی چه باید کرد: راه هموار است و زیرش دام ها قحطی معنا، میان نام ها لفظها و نام ها چون دام هاست لفظ شیرین ریگ آب عمر ماست

اصل دوم – فتنه در هنگام پایان یافتن و رویگردان شدن، بیدار می کند.

برای توضیح این اصل، دو نوع فتنه را به طور مختصر توضیح می دهیم:

نوع اوّل: فتنه های گذرا

نوع دوّم: فتنه هایی که در جامعه رسوب می کنند و عناصر و اصول خود را به عنوان مکتب و عقیده بر جامعه تحمیل می کنند، به طوری که تدریجاً همه فرهنگ جامعه را فرامی گیرند.

دو نوع فتنه مزبور مشترکاتی دارند و تمایزاتی، مشترکان آن دو عبارتند از:

یک – امور پنج گانه ای که در تفسیر اصل اوّل متذکر شدیم.

دو – انقسام مردم در برابر فتنه ها به گروه های مختلف:

۱) ساده لوحانی که مبنای زندگی، اراده، تصمیم و هدف گیری آنان بر اساس کشمش و غوره است (با یک کشمش گرمی و با یک غوره سردی شان می شود).

۲) مردمانی که تا حدودی از آگاهی های مفید در زندگی برخوردارند و یک کشمش و یک غوره نمی تواند وضع آنان را دگرگون کند، ولی باغی از کشمش و یا غوره می تواند در دگرگون کردن وضع آنان مؤثر بوده باشد.

۳) جمعی دیگر وجود دارند که بیدارتر و هوشیارتر از آنند که در بروز فتنه ها، عناصر معرفتی و اختیاری شخصیت خود را ببازند، بلکه تا حدود زیادی می توانند به تحلیل و ترکیب قضایایی که فتنه با خود آورده است بپردازند؛ البته اینان در اقلّیت اسف انگیزی اند همچنان که نوابغ در اقلّیت اسف انگیزی می باشند.

ص:۸۴

هر دو نـوع فتنـه پس از نزول یـا اسـتقرار، برای آگاهـان قابـل شـناخت و آموزنـده می باشـند؛ زیرا پس از آن که یـک فتنه در معرض زوال قرار گرفت، عوامـل و انگیزه های به وجود آمـدن خود را آشـکار می سازد و هم چنین با شـناخت چگونگی قطع علاقه مردم از آنچـه که فتنه آن را مطلـوب نشـان می داد می تـوان حقیقت مطلـوبیت آن را به خـوبی ارزیـابی کرد؛ مثلاً ـ اگر مشاهده شد که «با بادی از بین رفت» کشف می شود که «با بادی آمده بود».

امّا تمایزات دو نوع فتنه، برخی از آن ها بدین قرار است:

۱) فتنه های گذرا از آن جهت که به اصل و قانون ثابت مستند نیستند و فقط از حوادث و تحولات می توانند استفاده کنند، لذا دیر یـا زود صـحنه جـامعه را ترک می کننـد و در موقـع ترک جـامعه برای عـدّه ای قابـل توجّه از مردم شـناخته می شونـد. در صورتی که فتنه های رسوبی از آن جهت که با مهارت کامل خود را وابسـته اصل و قانون ثابت نشان می دهنـد، لذا می توانند زمان هایی طولانی مغز و روان مردم جامعه را در اختیار خود بگیرنـد، بلکه چنان که در بالا اشاره کردیم، ممکن است تدریجاً به صورت فرهنگ ثابت جامعه درآیند.

۲) شـناختن فتنه هـای گـذرا برای مردمی که تـا حـدودی از خرد و آگـاهی برخوردارنـد، آسـان تر است از شـناختن فتنه هـای رسوبی، زیرا فتنه های رسوبی به جهت نمایش وابسـتگی به اصول و قوانین ثابت انسانی چنان که اشاره کردیم می تواننـد حتی هشـیارترین انسان ها را مبهوت بسازنـد و چنان که خزیمه با آن خرد و تقوا، نخست از پیکار با معاویه امتناع ورزید، تا آن گاه که

سپاهیان معاویه «عمار بن یاسر» را شهید کردند و به یادش آمد که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره او فرموده بود:

«یا عمّار! تقتلک الفئه الباغیه؛ ای عمار تو را گروه ستمکار خواهند کشت.»

۳) فتنه های رسوبی که با گذشت زمان در جامعه رسوب می کنند و چه بسا که به صورت فرهنگ ثابت جامعه درمی آیند، ممکن است با بروز شخصیت های بزرگ و باتقوا مورد تصفیه قرار بگیرند، و امور نامناسب و ناشایست آن ها را از واقعیات و امور شایسته تفکیک نموده و جامعه را از تصفیه مزبور برخوردار بسازند.(۱)

ص:۸۶

۱- ۱۲۶. ترجمه و شرح نهج البلاغه، علامه محمّد تقی جعفری: ج ۱۶ ص ۳۰۱ - ۳۰۶.

گفتار هشتم:موقعیت امام مهدی علیه السلام و یارانش

«فَإِذا کانَ ذلِکَ، ضَرَبَ یَعْسُوبُ الدِّینِ بِذَنَبِهِ، فَیَجْتَمِعُونَ إِلَیْهِ کَما یَجْتَمِعُ قَزَعُ الْخَرِیفِ.»(۱)

ترجمه: «آن گاه که وقتش فرا رسد و آخرالزمان آید، پیشوای دین قیام کند و پرچم استوار سازد، مستقر و پابرجا شود، پس (مؤمنان) نزد آن بزرگوار گرد آیند همچنان که ابرهای پراکنده پاییزی به هم پیوندند.»

واژه ها: یعسوب: ملکه زنبور عسل، رهبر و زمامدار جامعه

قزع: پاره ابر کوچک و پراکنده

خریف: فصل پاییز

ذنَب: دم، دنبال او رفتن، متابعت کردن و ...

توضیح و تفسیر:

این سخن در بخش کلام غریب (بیگانه و دور از نظر ابتدایی و ظاهری) آمده است، گویا مفهومی پوشیده و پنهان داشته و نیازمند به تبیین و تفسیر می باشد و یکی از کرامات و خبرهای غیبی آن حضرت از آینده و ظهور

۱- ۱۲۷. نهج البلاغه: غریب کلامه، حدیث ۱.

حضرت صاحب الزمان - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - است.(۱)

با تشبیه و زیبایی خاصّ ادبی می فرماید: آن رهبر راستین دینی امّت وقتی قیام کند، یاران بنام و کارگزاران بلند پایه نظام جهانی حقّ و عدل او، سریع و سبک دور او جمع می شوند و عاشقانه و عارفانه او را اطاعت می کنند تا ده ها(۲) هزار سرباز دیگر او در مراحل بعد با آن حضرت بیعت و همراه نهضت عظیم الهی او حرکت نمایند.

در تشبیه آن مصلح گیتی به ملکه زنبور عسل، تنها موجود کامل و مادر تمام زنبورهای کندو که عمرش طولانی تر از همه می باشد (عمر زنبورها از چند هفته و ماه نمی گذرد ولی ملکه تا شش سال زندگی می کند) این حقیقت را می رساند که در گستره کندو فقط یک فرد بوده که همه عاشقانه با رابطه خاص گرد او جمع و مطیع او هستند و در فراز و فرودها محور وحدت می باشد و با آن که در سراسر کندو نظم و قانون حاکم است، ملکه همه جا پر می زند و نظارت دارد، همین طور در دهکده جهانی عدل مهدوی. و تعبیر «بذنبه» یعنی وقتی دمش را زمین نهاد، کنایه از استقرار و قیام با قدرت و خشم خدایی در برابر دشمنان است.(۳)

و این ملکه زنبوران عسل است که با تخم ریزی، همه واحدهای معطل را فعال و به تولید و تلاش و شکوفایی و ارزش می رساند، در حالی که نیش و سلاح دفاعی و ... دارد (برای دفع موذیان و مزاحمان و فاسدان و سلامت

۱- ۱۲۸. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۹ ص ۱۰۴؛ منهاج البراعه: ج ۲۱ ص ۳۳۰.
۲- ۱۲۹. بحارالانوار / ج ۵۱، ص ۱۵۷ / ج ۵۲، ص ۳۳۸.
۳- ۱۳۰. شرح نهج البلاغه، ابن میثم: ج ۵ ص ۳۷۱.

کندو) می کوشد تا عسل و فرآورده شیرین و شفابخش برای مردمان و همگان فراهم آرد.

آری، آن معصوم موعود با ایجاد حکومت الهی بر سراسر جهان، لذت و شیرینی زندگی دینی را به وجود می آورد. چه زیباست وقتی همین تعبیر را در کلام نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می یابیم که می فرماید:

«یأوی إلیه أمّته کما تأوی النحله یعسوبها، یملأ...(۱)؛ امت حضرت مهدی علیه السلام به آن حضرت پناه می برند چنان که زنبورهای عسل به ملکه خود پناه می آورند، او زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و ستم شده، به گونه ای که مردمان به فطرت نخستین (پاک و توحیدی) خود برمی گردند، حتی شخص خوابیده را از خوابش بیدار نمی کند و خون کسی ریخته نمی شود.» یعنی امنیت همه جانبه در جامعه به وجود می آید.

و نیز در تشبیه به ابرهای پاییزی، سرآغاز تحولی عظیم و فرا رسیدن فصلی جدید در تاریخ زندگی انسان را نوید می دهد که با نسیم ندا و پیام آن حضرت از مکه «بَقِیَّهُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»(۲) اصحاب او همانند قطعه ها و پاره های ابرهای پراکنده در پاییز به سرعت به هم می پیوندند؛(۳)

۱- ۱۳۱. الملاحم ابن طاووس: ص ۷۰؛ احقاق الحق: ج ۱۳ ص ۱۵۴؛ الفتن: ص ۲۵۲.

۲- ۱۳۲. سوره هود / آیه ۸۶.

۳- ۱۳۳. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۷ و ج ۵۱ ص ۵۵.

همـان هـا که ابتـدا بی بارنـد امّـا هنگامی که جمع و متراکم شدنـد، باران زا و رحمت آفرین می شونـد و منتظران را شادمان و زمین دین و زنـدگی را با ریزش الطاف خداوندی احیا و آماده می سازند تا شـکوفه های عدالت، امنیت، اجرای قوانین قرآن و سنّت، صلح و صمیمیت و ... شکوفا و ظاهر گشته، درخت خشک دین سیراب و سعادت بخش گردد.

در واقع امیر بیان حضرت علی علیه السلام در این کلام کوتاه، نه تنها موقعیت آن پیشوای دین را در آینده بشریت (عصر غیبت و ظهور) اشـاره دارد، بلکه اوصـاف اصـحابش و قلمرو حکومتش که تمـام زمین باشـد و اهـداف قیـام او را (هـدایت و نجـات بشریت از انواع بدبختی ها و ظلم و تباهی و رساندن همگان را به سعادت جاوید) بیان داشته است.

جالب آن که این سخن در بیان دیگر ائمّه معصومین علیهم السلام نیز آمده که به نقل برخی از آن ها اکتفا می کنیم:

در کتاب غیبت شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود:

«پیوسته مردم در نقصانند تا آن که اللّه و نام خدا گفته نمی شود، پس هرگاه چنین شد، یعسوب دین با پیروانش ثابت می ماند و خداوند از اطراف زمین گروهی را می فرستد که مانند ابرهای پاییز می آیند، به خدا قسم اسم ها، قبیله ها و اسم امیر اینان را می شناسم... پس جمع می شوند سیصد و سیزده مرد به تعداد اهل و اصحاب جنگ بدر و این است

معنای قول خداوند - عزّو جلّ - «أَيْنَما تَكَونُوا يَأْتِ بِكَمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَدِيرٌ»(۱) هرکجا باشید خداوند همه شما را می آورد، چرا که خدا بر هر چیزی تواناست.»

و بخش اوّل این خبر همان است که در نهج البلاغه آمده «فإذا کان ذلک، ضرب یعسوب الدین ...» و صاحب نهایه و زمخشری و دیگران نیز این فقره را که کنایه از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد نقل و شرح نموده اند.(۲)

و نیز در روضه کافی از امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ أَيْنَما تَكُونُوا...» می فرماید: «مراد از خیرات، ولایت می باشد و منظور از «أَيْنَما تَكُونُوا...» یاران حضرت مهدی و امام قائم - عجّل اللّه فرجه الشریف - است که سیصد و اندی {۳۱۳} نفرند، به خدا قسم «امّت معدوده» همان ها هستند، به خدا سوگند همگی در یک ساعت؛ همانند ابرهای پراکنده پاییزی جمع می گردند.»(۳)

۱- ۱۳۴. سوره بقره: آیه ۱۴۸.

۲- ۱۳۵. نجم الثاقب: باب ۲ ص ۱۳۱؛ معجم أحادیث الامام المهدی: ج ۳ ص ۱۰۴ و ۱۰۶.

۳- ۱۳۶. نور الثقلین: ج ۱ ص ۱۳۹؛ تفسیر کنز الدقائق وبحر الغرائب: ج ۲ ص ۱۹۲؛ تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۶۵.

گفتار نهم:حوادث و نوید نصرت

«أَلا ـ بِأَبِی وَأُمِّی! هُمْ مِنْ عِـدَّهٍ أَسْـمآؤُهُمْ فِی السَّمـآءِ مَعْرُوفَهٌ وَفِی الْأَرْضِ مَجْهُولَهٌ. أَلا فَتَوَقَّعُوا مایَکُونُ مِنْ إِدْبارِ أُمُورِکُمْ وَانْقِطاعِ وُصَـلِکُمْ وَاسْتِعْمالِ صِغارِکُمْ. ذاکَ حَیْثُ تَکُونُ ضَرْبَهُ السَّیْفِ عَلَی الْمُؤْمِنِ أَهْوَنَ مِنَ الدِّرْهَم مِنْ حِلِّهِ. ذاکَ حَیْثُ یَکُونُ الْمُعْطی أَعْظَمَ أَجْراً مِنَ الْمُعْطِی ذاکَ حَیْثُ تَسْـکَرُونَ مِنْ غَیْرِ شَرابٍ، بَلْ مِنَ النِّعْمَهِ وَالنَّعِیم، وَتَحْلِفُونَ مِنْ غَیْرِ اضْطِرارٍ، وَتَکْذِبُونَ مِنْ غَیْرِ إِحْراجٍ (إِحْواجٍ). ذاکَ إِذا عَضَّکُمُ الْبَلآءُ کَما یَعَضُّ الْقَتَبُ، غارِبَ الْبَعِیرِ. ما أَطْوَلَ هذَا الْعَنآءَ، وَأَبْعَدَ هذَا الرَّجآءَ!»(۱)

ترجمه: «آگاه باشید! پدر و مادرم فدای آنان باد که از کسانی اند که در آسمان ها نام هایشان معروف و در زمین گمنامند. هان ای مردم! منتظر باشید در آینده پیش آمدهایی که خواهد شد؛ از پشت کردن زندگی و روزگار خوش و قطع پیوندهایتان، تا روی کار آمدن خردسالان شما. و این حوادث زمانی

۱- ۱۳۷. نهج البلاغه: خطبه ۲۲۹.

خواهـد شد که ضـربت شمشـیر بر مؤمن آسان تر از کسب یک درهم از راه حلال است، وقتی که پاداش گیرنده اجرش از آن که می بخشد بیشتر می باشد، روزگاری که بدون نوشـیدن شراب مست می شوید، از فراوانی نعمت و خوشی ها بدون اجبار و ضرورت سوگنـد می خوریـد و از روی اختیار، بدون اضـطرار و ناچاری دروغ می گویید، و این حوادث هنگامی به شـما روی آورد که بلا و سختی شما را بگزد چنان که پالان، دوش شتر را زخم کند و بگزد. آه چه بسیار آن رنج طولانی است، و چقدر این امیدواری و آرزوی گشایش، دور است.»

واژه ها: سکر: مستی

قتب: گران بار و خسته، پالان

غارب: بین گردن و کوهان، دوش، پشت

عضّ: گاز، نیش

توضیح و تفسیر:

این پیشگویی و اِخبار از حوادث غیبی و ظلمی که بر شیعه می گذرد، بعد از جنگ نهروان (در سال ۳۸ ه در کوفه) بوده است.

ابتـدا به مقام و منزلت بزرگواران و پاکانی اشاره می کنـد که تعـدادشان معـدود و نام های بلنـدشان در آسـمان ها نزد ملائک معصوم، مشهور و شناخته شده است، به خاطر علوّ مرتبه و طینت پاکشان، لیکن نزد زمینیان یا اکثر اهل

زمین ناشناخته و مجهولند (عوام به خاطر گمراهی و جهلشان به آن پاکان بلند مقام معرفت نیافته اند و خواص هم آن گونه که بایسته و شایسته است به آنان معرفت و شناخت پیدا نکردند چرا که معرفتشان محدود است).

با توجّه به این تکریمِ والا و شروع سخن با تعبیر پدر و مادرم فدای آنان باد و دیگر قراین می توان گفت برترین و قطعی ترین مصداق این جماعت امامان و اهل بیت معصوم پیامبرند صلی الله علیه وآله و جمله «ما أطول هذا العنآء وأبعد هذا الرجآء!» ناظر به رنج طولانی دوران غیبت و سختی ها و یأس در زمان انتظار که فرج (پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام) برای شیعیان پیش آید می باشد.(۱)

سپس اصحاب را مخاطب قرار داده، گوشه ای از فتنه ها و حوادث آینده را باز می گوید: «ألا فتوقّعوا...» زمانی که برنامه ها و نظام زندگی دنیوی و اخروی شما (با آرای پراکنده، هواهای نفسانی و اختلافات و تبعیت از تئوری های نظام های شرقی و غربی به جای پیاده کردن اسلام ناب) در هم ریزد، پیوندهای خویشاوندی و روابط اجتماعی با تقلید از فرهنگ های بیگانه و غیر مکتبی، (روابط و بنیان خانواده متزلزل) گسسته شود، کهتران و کوچک خردان بی تجربه (به نام تخصص و جوان گرایی) بر بزرگان و مجرّبان باتعهد، مقدم داشته شوند(۲) و امور جامعه را در دست گیرند که خود این کار در نظام

۱- ۱۳۸. منهاج البراعه: ج ۱۱ ص ۱۴۳ - ۱۴۶؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۳ ص ۹۶؛ نهج البلاغه فیض الاسلام و ... .

۲- ۱۳۹. از حکیمی پرسیدند: علت انقراض دولت ساسانی چه بود؟ پاسخ داد: آنان کارمندان کِهتر و کم توان و تجربه را بر کارهای بزرگ گماشتند، در نتیجه از عهده انجام امور بر نیامدند و کارگزاران بزرگوار را بر کارهای کوچک گماردند و در نتیجه به امور اعتنا نکردند، به دنبال آن وحدت و انسجام آنان شکست و نظامشان درهم ریخت و سقوط کردند.

اجتماعی و حاکمیت دینی، اختلال ایجاد می کند. و لذا برای مالک اشتر، حاکم مصر می نویسد:

«... ثمّ انظر فی أمور عمّالک...(۱)؛ کارمندانت را با دقّت و آزمون و مشورت از میان خاندان های خیرخواه و با عفاف و شایسته (باتقوا و تخصص و کارآمد) گزینش کن، از مسلمانانی که سوابق حسنه و درخشان دارند انتخاب و ضمن تأمین کامل مالی آن ها، نظارت و بازرسی هم داشته باش...»

و حضرت مهدی علیه السلام برای آن حکومت حق و عدل، برترین کارگزاران را دارد. امام علی علیه السلام در ادامه پیشگویی جامعه قبل از ظهور می فرماید:

«این در هم ریختگی نظم و امور اجتماعی زمانی رخ می نماید که روابط اقتصادی سالم و صحیح در جامعه نباشد و سیستم تولید، توزیع و مصرف بر محور حلال استوار نگردد.»

با آن همه تأثیر روحی، اخلاقی و ارزشی که تهیه روزی و زندگی حلال در دیدگاه اسلام وجود دارد، امام حسین علیه السلام در احتجاج با کوفیان تبهکار می فرماید:

«ملئت بطونکم من الحرام...(۲)؛ چون شکم هایتان از حرام پر شده (حرام بر شما حاکم)، به این روز سیه و غیر انسانی رسیده اید.»

۱- ۱۴۰. نهج البلاغه: نامه ۵۳.

۲- ۱۴۱. موسوعه کلمات الامام الحسین: ص ۴۲۲.

در شرایطی که بخشنده مال حرام به خاطر حرام بودنش و این که برای ریا و شهرت و هدف های فاسد انجام می دهد اجر و پاداشی نمی برد ولی آن که می گیرد به خاطر نیاز و این که نفقه عائله اش را تأمین کند و از آلودگی و مرگ آن ها را نجات دهد، اجر می برد بعلاوه او نسبت به بررسی حلال و حرام بودنش الزام ندارد. و ممکن است مقصود این باشد که اگر فقیر آن مال حرام را نگیرد باز فرد بخشنده آن را در راه فساد و گناه مصرف کند ولی نیازمند با قبول آن مال، مانع ارتکاب گناه به همان اندازه می شود.(۱)

و این نابسامانی، زمانی خواهد شد که شما مست هوس ها و غوطه ور در نعمت و خوش گذرانی ها گشته اید و در غفلت به سر می برید (که گفته اند: مستی هواهای نفسانی بیشتر و شدیدتر از مستی شراب است)، در گفت و گوهای خود، بدون هیچ ضرورتی سوگند و قسم می خورید و دروغ گویی عادت تان می شود.

آن گاه با تشبیهی زیبا از بلاها و فتنه های درونی و گزنده، پرده برمی دارد و می فرماید:

«این حوادث زمانی پیش آید که رنج ها و گرفتاری ها از خودی ها و نزدیکان باشد همان ها که باید نگه دارنده باشند، گزنده و زخم کننده می شوند؛ همان گونه که جهاز شتر بدن او را گاه رنج می دهد و می گزد (آیا تک تک این پیشگویی در جامعه ما نمایان نیست؟!).»

ص:۹۶

۱- ۱۴۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۳ ص ۹۷.

سرانجام امام علی علیه السـلام گویا به رنـج طولانی شـیعه در دوران غیبت و امید خلاص و رهایی از ظلم ها و آزمون ها اشاره دارد و آرزوی دور را نویـد می دهـد که بـا ظهور و قیام آخرین ذخیره صالحان، حجه بن الحسن - عجّل اللَّه فرجه الشـریف - محقق خواهد شد، ان شاء اللَّه.

در واقع حضـرت علی علیه السـلام انتظار مثبت و سازنـده و پویا را پیام دارد که همراه با شـناخت امام علیه السـلام و پایداری و صبر در برابر مسائل و سختی های عصر غیبت بوده و از طرفی با تلاش و تدبیر و تحرک و آماده باش همیشگی مقرون است.

ص:۹۷

گفتار دهم:این شام سحر گردد

«لا وَالَّذِی أَمْسَیْنا مِنْهُ فِی غُبْرِ لَیْلَهٍ دَهْمآءَ، تَکْشِرُ عَنْ یَوْمٍ أَغَرَّ، ما کانَ کَذا وَکَذا.»(۱)

ترجمه: «سوگند به خداوندی که با قدرت او باقیمانده شب تاریک را به سر بردیم که از روزی روشن لبخند می زند و آشکار می گردد چنین و چنان نخواهد بود (نخواهد ماند).»

واژه ها: دهماء: سیاه و ظلمانی

غبر: باقیمانده، بقیه هر چیز، گرد و تیرگی

تکشر: آشکار، تبسم

اغرّ: زیبا، بزرگوار، سفید از هر چیز

توضیح و تفسیر:

در اینجا به قول سیّد رضی رحمه الله با زیباترین بیان، طلوع صبح را به لبخند شب تیره تعبیر فرموده و به نظر عدّه ای از مترجمان و شارحان نهج البلاغه این

ص:۹۸

۱- ۱۴۳. نهج البلاغه: حکمت ۲۶۹ {فیض الاسلام} و ۲۷۷ (محمّد دشتی) و ۲۶۱ (ابن میثم) و ۲۸۷ (محمّد عبده).

کلام، از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و صبح سعادت خبر می دهد و به اصل کلی «این شام را سحر در پیش و این سحر را صبح نزدیک است» اشاره دارد که این گونه نخواهد بود و اراده خدا بر این نباشد که بر ما اهل بیت و امت همیشه تاریکی باشد، بلکه زمانی می رسد که دولت حقّ حجّت اللّه موعود محقق و مردم با حقایق اسلام آشنا و از گمراهی و جهل و ظلم نجات یافته، و ما از غربت و مظلومیت تاریخی بیرون خواهیم آمد.

در واقع حضرت علی علیه السلام آینده روشن بشریّت را نوید و امید می دهد و درس تحمل و توکل و تلاش می دهد همان گونه که در شب هنگام، انسان تسلیم تاریکی ها و حاکمان شب نمی گردد و با آن که مطمئناً صبح و سپیده خواهد دمید لیکن می کوشد تا نور و چراغی یابد و خود و دیگران را از خطرها و تیرگی ها حفظ کند؛ همین طور در غیبت خورشید خاتم الاوصیاء - عجّل اللّه فرجه الشریف - که امام خمینی رحمه الله می گفت: «ما در انتظار رؤیت خورشیدیم.» هرگز نباید تسلیم تباهی ها و فتنه های سیاه و گمراه گر شد.(۱)

۱- ۱۴۴. گرچه احتمال روزگار رسول اللّه صلی الله علیه وآله و یا روز غدیر برای آن حضرت، به ذهن می رسد لیکن با توجّه به فعل مضارع بودن {تکشر} و این که روز سپید راستین و فراگیر و ماندگار اهل بیت علیهم السلام روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت حقّ و عدل او می باشد که پیامبر و معصومین پیوسته بشارت آن را می دادند و کلام امام علیه السلام مشتبه به نظر نمی رسد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱ – آرماگدون تدارک جنگ بزرگ، گریس هال سل – ترجمه خسرو اسدی

۲ – اصول کافی، ابی جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی

۳ – الغیبه للحجه، شیخ الطائفه ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی

۴ – الغیبه (نعمانی)، ابوعبداللّٰه محمّد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی

۵ – الفتن، نعیم بن حماد

۶ – بحار الانوار، علامه شیخ محمّد باقر مجلسی

۷ – بشاره المصطفی، سیّد مصطفی حسنی حسینی کاظمی

۸ – تفسیر عیاشی، ابی نصر محمّد بن مسعود بن عیاش اسلمی سمرقندی

۹ – تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی

۱۰ – تفسیر کنز الدقائق وبحرالغرائب، علامه محمّد بن محمدرضا قمی

۱۱ – تفسیر نور الثقلین، شیخ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی

۱۲ – حقّ الیقین، محمّد باقر مجلسی

۱۳ – شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید

ص:۱۰۰

۱۴ – عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی

۱۵ – فرهنگ نامه مهدویت، خدامراد سلیمیان

۱۶ – فصلنامه انتظار، شورای نویسندگان

۱۷ – قاموس قرآن، سیّد علی اکبر قرشی

۱۸ – کمال الدین وتمام النعمه، ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه

۱۹ – مصابیح الجنان، علامه سید عباس حسینی کاشانی

۲۰ – معجم أحادیث المهدی، مؤسسه معارف اسلامی

۲۱ – مکیال المکارم، علامه حاج میرزا محمّد تقی موسوی اصفهانی

۲۲ – منتخب الاثر، آیه اللّه شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

۲۳ – منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، علّامه حبیب اللّه هاشمی خویی

۲۴ – موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام، پژوهشکده باقرالعلوم

۲۵ – نجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب، میرزا حسین نوری طبرسی

۲۶ – یوم الخلاص، کامل سلیمان

ص:۱۰۱

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۲۷ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲۸ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲۹ قرآن کریم / وزیری خط نیریزی / الهی قمشه ای

۳۰ قرآن کریم / وزیری (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۳۱ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۳۲ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۳۳ کلیات مفاتیح الجنان / وزیری خط افشاری / الهی قمشه ای

۳۴ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۳۵ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۳۶ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۳۷ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۳۸ آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۳۹ آخرین پناه محمود ترحمی

۴۰ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۴۱ آشنایی با چهارده معصوم (دو جلد) / شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۴۲ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۴۳ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۴۴ ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۴۵ از زلال ولایت واحد تحقیقات

۴۶ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۴۷ الشموس الطالعه علی اصغر رضوانی

۴۸ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۴۹ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۵۰ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۵۱ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۵۲ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۵۳ انتظار و انسان معاصر عزیز اللّٰه حیدری

۵۴ اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۵۵ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۵۶ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۵۷ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۵۸ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۵۹ پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۶۰ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۶۱ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۶۲ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات

۶۳ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی واحد تحقیقات

۶۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات

۶۵ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی واحد تحقیقات

۶۶ تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۶۷ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۶۸ جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۶۹ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۷۰ چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۷۱ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۷۲ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۷۳ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۷۴ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۷۵ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۷۶ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۷۷ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۷۸ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۷۹ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۸۰ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۸۱ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۸۲ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۸۳ دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۸۴ رجعت احمد علی طاهری ورسی

۸۵ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۸۶ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۸۷ زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

ص:۱۰۳

۸۸ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۸۹ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۹۰ سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۹۱ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۹۳ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۹۴ سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۹۵ شمس وراء السحاب/ عربی السید جمال محمّد صالح

۹۶ صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۹۷ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّٰه هاشمی شهیدی

۹۸ عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۹۹ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۱۰۰ عطر سیب حامد حجّتی

۱۰۱ عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۱۰۲ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۱۰۳ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۱۰۴ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۰۵ فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۱۰۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۱۰۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی

۱۰۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۱۰۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۱۱۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۱۱۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۱۱۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۱۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۱۴ کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۱۱۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۱۱۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۱۷ گفتمان مهدویت آیت اللَّه صافی گلپایگانی

۱۱۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۱۱۹ مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۱۲۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۱۲۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۱۲۲ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۱۲۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۱۲۴ منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۲۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۶ مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللَّه حیدری

۱۲۷ مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۱۲۸ مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای

۱۲۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۳۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۳۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۳۲ ناپیدا ولی با ما / انگلیسی واحد تحقیقات

۱۳۳ ناپیدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش

۱۳۴ ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش

۱۳۵ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات

۱۳۶ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۳۷ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۳۸ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۳۹ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۴۰ نهج البلاغه/ جیبی سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۱۴۱ نهج البلاغه/ وزیری سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۱۴۲ نهج الکرامه / گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۴۳ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۴۴ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۴۵ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۴۶ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۴۷ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۴۸ هدیه احمدیه / نیم جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۴۹ همراه با مهدی منتظر بیژن کرمی

۱۵۰ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۵۱ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۵۲ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدس جمکران

مکاتبه و یا با شماره های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

ص:۱۰۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹